

بیانیه ی

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق

ترکمن!

مدت مدیدی بود که فعالین سیاسی ترکمن به ضرورت برگزاری کنفرانسی با مشارکت هر چه بیشتر افراد متعهد و فعال در حاش و تشکیل حزب و یا سازمان ملی پی برده بودند.

احزاب و سازمانهای سیاسی در شکل و جهت گیری سیاسی افکار عمومی نقش بسزایی دارند. و نیز هم اینسانند که در شرایط سرنوشت ساز قادرند با تحلیل های درست و منطبق با واقعیات جامعه، حلقی را به راه راست هدایت کرده و در استقرار دموکراسی نقش تعیین کننده ای داشته باشند. برخلاف، احزاب و سازمانهایی که نه بر اساس روشنگری خلق خویش، طرح خواست های ملی، اعتراض به اجحاف و تبعیضات، بلکه به امید دست یازیدن به امیال فردی و گروهی تحلیلهای گوناگون ارائه میدهند و مردم را به کجراه رهنمون می شوند، می توانند سرنوشت خلق را بازیچه سیاست بازی های خویش کنند.

در حوامع مدن، احزاب و سازمانهای سیاسی نه تنها آزادی کامل فعالیت دارند، بلکه بخش پر اهمیت و تفکیک ناپذیر قانون اساسی محسوب و به عنوان نمایندگان واقعی مردم... بقیه در ص ۲

یادداشت هیئت تحریریه:

پیرامون برگزاری ۲۶۶ - مین سالگرد تولد ماغتیم قولی، فیلسوف و مبارز بزرگ قرن هیجده ملت ترکمن.

در تاریخ هفده ماه مه سال جاری، برای اولین بار در تاریخ ایران، رسماً از طرف دولت حامی هفته بزرگداشت ماغتیم قولی اعلام شده و یک هفته تمام در اکثر شهرهای ترکمن نشین ترکمنستان ایران با حضور ماغتیم قولی شناسان، ادبا و شعرا و جمع کثیری از دوستان و دوستان وی، همراه مقامات دولتی محلی، این هفته را با برپایی شهبای شعر و موسیقی ترکمنی گرامی داشتند. برای هفتمین روز هفته ماغتیم قولی، صفر مراد نیازوف، رئیس جمهور ترکمنستان همراه تعدادی از اعضای کابینه وزرا و ماغتیم قولی شناسان از آکادمی علوم ترکمنستان، بنام دعوت رسمی حامی، جهت شرکت در این مراسم و پرده برداری از یادبودی که بر سر مزار ماغتیم قولی و پدر اندیشمند وی، دولت مأمند آزادی در روستای آق توفای بر پا شده بود، وارد ایران شدند، هر چند که این یادبود، درخور شأن و عظمت ماغتیم قولی نبوده است. شاید این امر را مسئله ای طبیعی دانست، زیرا که این یادبود نه از طرف رهبران حقیقی اهداف رهنمایی بخشش و انسان... ادامه در ص ۳

پیام ۱۸ تیر!

هفده تیر ماه امسال آغاز روندی نو در تاریخ مبارزات مردم ایران است. خسروش هزاران دانشجو که حمایت اقشار وسیع اجتماعی را به دنبال داشت، بیانگر نفرت و بیزاری عمیق ملت ایران از نظام جمهوری اسلامی میباشد.

تعبیل شر به سلام به دستور دادگاه ویژه روحانیت و تصویب کلیات طرح مطروحات که مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت با یورش نیروهای انتظامی و امنیتی و انصار حزب الله به حواصگاه دانشجویان و ضرب و شتم و کشتار آنها مواجه گشت که امواج خسروش اعتراضات را در پی داشت و سر انجام برای یکبار برای آزادی و حق تعیین سرنوشت حلقهای ایران، حانفشادی مبارزان و قلم و رزاق و یکبار حسنگی ناپذیر کارگران و رنجکشان برای کسب حقوق از دست رفته شان به بار نشست و این بار فرید مرگ یا آزادی، خامنه ای حیا کن مملکتش رها کن را از گلوری دانشجویان به زمین انداخت.

ادامه در ص ۷

در این شماره میتوانیید:

* بیانیه سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن

* تجربه اصلاح طلبی

* شکست طالبان... (ترجمه)

* تعویب تاریخ

* ملت‌های تاریخی از اسپانیا... (بخش آخر)

* کریم آقایی یاد لایب

ادامه ص ۱ ... بیانیه سازمان دفاع...

... تقبی می‌شوند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ظاهراً فعالیت احزاب، هر چند با قید و شرط‌های فراوان، تضمین شده است: "احزاب، حجت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را محض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت" (اصل ۲۶). لیکن در ایران برخلاف این اصل قانون اساسی هیچ حزب و سازمان که پاینده به اصول دموکراسی باشد، حق فعالیت سیاسی را ندارد.

حق ترکمن به عنوان یک اقلیت ملی، بیش از همه به پیک حزب و یا سازمان ملی نیاز دارد که بتواند آن را در همه عرصه‌ها نمایندگی کند و خواست‌های ملی اش در سطح بین‌المللی مطرح سازد و ظلم و ستم و سیاست تبعیض ملی رژیم اسلامی را افشاء کند.

بدنبال فراخوان "کمیته تدارک کنفرانس ملی ترکمن‌های ایران"، کنفرانس ملی در ماه اوت ۱۹۹۹ برگزار شد. شرکت کنندگان کنفرانس ملی بدنبال تبادل نظر و بحث مفصل در محیضی دموکراتیک و حوی دوستانه به اتفاق آراء "سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن" را بنیانگذاری کردند. در تاریخ حبش ملی-دموکراتیک خلق ترکمن برای نخستین بار است که سازمان بدون ایدئولوژی و بدون از گرایشات فکری تنگ نظران و خود معسر بیانیه، سازمانی که ساختارش دموکراتیک و محور اصلی فعالیتش دفاع از حقوق ملی پامال شده ترکمن هاست، ایجاد میشود.

در ایران چند ملیت، اقلیت‌های ملی چون ترکمن‌ها تحت ستم مضاعف قرار دارند. از یکسو محرومیت از حقوق عمومی چون آزادی بیان، اندیشه، قلم، اجتماع، احزاب... و از سوی دیگر محروم بودن از حق تدریس در مدارس و دانشگاهها به زبان مادری، انتشار کتب و نشریات به زبان مادری، اداره امور محلی و منطقه ای توسط کارمندان و متخصصین ترکمن، هر چند در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

"زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است."

و نیز اصل نوزدهم قانون اساسی اعلام میدارد:
مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود"

رژیم اسلامی علیرغم نص صریح قانون، از بدو موجودیت خود، که بیش از بیست سال از آن میگذرد، هیچیک از این مفاد قانون را احسب نکرده است؛ هر چند به خاطر قانون موظف به اجرای آنها بوده است. رژیمی که خود به قوانین مصوبه در مجلس خویش کمترین وقتی ننهد و حتی آنها را گستاخانه زیر پا بگذارد، رژیمی است غیر قانونی و مستولین امر. به خاطر قانون مجرم و مستحق تعقیب اند.

رژیم اسلامی هر چند دم از وحدت وطنی، ملت یکپارچه ایران، امت اسلامی ایران و برادران ترکمن میزند، لیکن سیاستی که این رژیم در ضون بیست سال حکومت خود در مورد ترکمنها اعمال کرده، دقیقاً خلاف این ادعاها است. برخورد رژیم اسلامی به حق ترکمن همچون برخورد کشور فاتحی را می‌ماند که در پی سالیان دراز جنگ خونین، کشور دیگری را به اشغال خود درآورده و به انتقام کشی از مردم بیگانه و بی دفاع آن پردازد.

جمهوری اسلامی بدنبال سرکوب خونین ترکمن‌ها در جنگ گنبد، سیاست ویرانگرانه ای را در پیش گرفت. نهادهای امنیتی و سرکوبگر رژیم در منطقه وظایف مشخصی را با حیثه عملکرد معینی بر عهده گرفته اند. وظایف این نهادها بطور مشخص تعقیب، بازرسی و کنترل و بازداشت افراد سیاسی و یا مطنون به فعالیت سیاسی بوده و هست. همچنین رژیم مدتهاست که به تقویت پادگانها، پاسگاهها و دیگر مراکز نظامی دست زده است. روند در واقع روند ملیتاریزه کردن کامل ترکمن صحراست.

کوچاندن و وسیع افراد غیر بومی به منطقه ترکمن صحرا، روش دیگری است که رژیم برای هم زدن ترکیب جمعیت این منطقه در پیش گرفته است. واگذاری زمینهای مرغوب منطقه به افراد غیر بومی اعزامی از استانهای اصفهان، گیلان، مازندران و گسبیل هزاران خانواده سیستانی به ترکمن صحرا نمونه هایی از این سیاست ضد ملی رژیم است. هدف این سیاست غصب زمینهای ترکمن‌ها به یاری

اهرم‌های خشن دولتی و افزایش تعداد بیکاران ترکمن هاست.

طرح جدیدی که رژیم اسلامی در صدد تحقق آنست، کوچاندن هزاران خانواده دیگر خراسانی به مناطق مرزی ترکمن صحراست. هدف از این طرح، ایجاد منطقه ای حائل غیر بومی میان جمهوری ترکمنستان و ترکمن صحرا است. مأمورین رژیم مدتی است که به خانواده‌های مرزی خراسان رجوع کرده و فرم‌های مخصوص را برای پر کردن در اختیار آنان قرار داده اند. بر اساس این طرح هر خانواده ای که علاقمند به سکونت در مناطق حائل مرزی در ترکمن صحرا باشد، صاحب خانه ای پیش ساخته برای سکونت و قطعه زمینی جهت کشت خواهد بود! طبق این طرح که مکمل طرحهای پیشین است، فقر و بیکاری هر چه بیشتر ترکمن‌ها برنامه ریزی شده بقیه در ص ۱۸ است.

ادامه ص ۱ ... و فرزندان واقعی ماغیتم قوی، بلکه از ظرف کسان که دهان ملت ماغیتم قوی را در سرزمین خود وی بسته اند و تکلم و آموزش به زبان وی را یعنی زبان ترکمنی را موع اعلام داشته و تکلم به همان زبان را که ماغیتم قوی اشعار خود را با آن سروده است، حرمی غیر قابل گذشت و شایسته شدیدترین مکافات قلمداد میگردد و عمده تأیید ملاحظات و تعارفات سیاسی در قبال همسایه شمالی ایران یعنی ترکمنستان، با آکراه بنا شده است!

بهر حال، این مراسم که در آن مردم ترکمن نشین منطقه بصورت گسترده ای در آن شرکت کرده بودند و بقول شاهدان عینی میزان شرکت مردم تقریباً به ۲۵۰۰۰ نفر بالغ میشد و اکثریت قریب سه اتفاق آنرا ترکمنها و بقیه را عمدتاً مأمورین امنیتی رژیم با لباسهای سرب و غیر سربیل تشکیل میداد، با ورود رئیس جمهور ترکمنستان و هیئت همراه وی از شور و شوق بی نظیری همراه گردید. این مراسم با سخنرانی دراز گیسو، استاندار جدیدالتاسیس و خود ساخته رژیم یعنی "استان گلستان" که صرفاً بخاطر تقسیم هرچه بیشتر ملت ترکمن از نظر جغرافیایی، جهت محروم ساختن آنها از داشتن سرزمین واحد و در نتیجه ابراز وجود سیاسی واحد، طراحی شده است آغاز گردید. وی از همان ابتدا، با سخنرانی مضمون و بی محتوای خود آشکار ساخت که کمترین شناختی از زندگی و آثار ماغیتم قوی ندارد و در مجموع این فیلسوف و عارف فرزانه را در حد یک شاعر مذهبی و اسلامی معمولی تزل داده و اشعاری را با مضامین بعضاً اساندرستانه و در کل با محتوای کاملاً مذهبی و خود ماغیتم قوی را متعلق به ایران دوران بعد از اسلام معرفی نمود! دراز گیسو، باز ادعا کرد که در ماغیتم قوی به سبک دوره زندگی خود شاعر با برپایی آلاچیق های ترکمنی جهت جلب توریست خواهد ساخت تا "حلال و هوای دوران زندگی خود شاعر زنده گردد و عاشقان وی با اقامت در این مجموعه با معشوق خود راز و نیاز بردازند!!" شاید خود دراز گیسو نمیداند که اگر "حلال و هوای دوران زندگی خود شاعر" زنده گردد، در این منطقه نه خیری از "عاشق معشوق" از نوع آقای دراز گیسو خواهد بود که به این راحتی بر سر مزار ماغیتم قوی زد عشق بورزند و نه پای خود دراز گیسو هرگز به آنجا میرسید!

آقای دراز گیسو استاندار استان گلستان که بعنوان فاعلی بر سر مزار ماغیتم قوی سخن میراند در حلقه سخنران خود، بعنوان حکمران بخشی از سرزمین ترکمن از اینکه چنین یادبودی را بر مزار ماغیتم قوی بر پا کرده اند بخود افتخار کرده و در حالی که بادی سه شعب انداخته بود، اینچنین این افتخار خود را به رخ حضار کشید!

در این مکان قبلاً دو پله شکسته در گوشه ای از مزار ماغیتم قوی ساخته شده بود و اکنون ما توانستیم یادبود با شکوهی در این محل

ایجاد کنیم؟! مصداق ضرب المثل "آدم دروغگو فراموشکار است"، حتماً آقای دراز گیسو نیز فراموش کرده اند که چه در زمان رژیم سلطنتی و چه در زمان رژیم اسلامی تا همین اواخر، دیدار و زیارت دستجمعی از مزار ماغیتم قوی برای ترکمنها کاملاً قدغن بوده و ترکمنها در ایران اجازه برگزاری هیچگونه مراسم رسمی در سالگردهای ماغیتم قوی را نداشته اند، چه برسد به برپایی یادبودی بر سر مزار وی؟! باز در زمان خود همین دراز گیسوها بود که هر سله با بستن حاده های که به آق توقوی، محل مزار ماغیتم قوی ختم میشدند، از طرف پاسداران مسلح رژیم مانع شرکت گسترده مردم در مراسم سالگرد وی شده و آن دسته از مردمی را نیز که از طرق گوناگون خود را در این سالگردها بر سر مزار ماغیتم قوی می رساندند با ضرب و شتم و توهین نیروهای مسلح رژیم روبرو شده و حتی دیدگاهی نذری آنها نیز از واژگون شدن با لگد نیروهای چکمه پوش رژیم در امان نمی ماندند!

سخنران بعدی این مراسم بزرگ، آقای نیازوف رئیس جمهور کشور ترکمنستان بود که در میان شور و شوق بی نظیر دهها هزار ترکمن حاضر در این مراسم، متن سخنران خود را قرائت کردند. متن سخنران رئیس جمهور ترکمنستان در کل به صورت مبسوط و دقیق تدوین شده بود و مجموعه ای کوتاه از سیر تاریخ ترکمن در ادوار مختلف را در بر میگرفت و مشخص بود که کار علمی زیادی از طرف آکادمی های تاریخ و ادبیات ترکمنی در آکادمی علوم این کشور بر روی این متن صورت گرفته است، هر چند که از اشکالات اساسی نیز کاملاً بدور نبوده است. مثلاً طرح عاری از استدلاعات تاریخی و منطقی ترکمن بودن پادشاهان چون نادرشاه و سلسله قاجاریان، نمونه های از این نقصان فاحش در متن سخنران وی بوده است. استدلاعات بدون فاکت از این نوع میتواند، بنوبه خود حقیق مسئله تاریخی دیگری را نیز از اوهاامسات و انزوای علمی دوران شوروی سابق خود را رها نساخته و اوها مانی از این دست را که بر اساس روایات و داستانهای عامیانه بدون هیچگونه پایه منطقی و علمی ساخته اند را اساس تحلیل خود از تاریخ قرار داده و با برخوردی غیر علمی و جانبدارانه و با پیشروی ناسیونالیستی نسبت به تاریخ ملت ترکمن به تنها مشتاقان حقایق تاریخی را گمراه میسازند بلکه حدود را بر فریب میدهند. متأسفانه بعضی از این آکادمیست های خود فریب، آنقدر در سناسر تاریخ خود ساخته خود غرق هستند و آنقدر مشغول اندت شایع غیر قابل اثبات خود از سیر تاریخ ملت ترکمن هستند و هور بر فرصتی نیافته اند که حنایات که بنظیر نادرشاه و سلسله قاجارها در حق ملت ترکمن، بویژه در قسمت جنوب این سرزمین را با مراجعه به فاکتهای غیر قابل انکار تاریخی در این رابطه، بیاموزند! محض کلام. خدا از مسائل فوق، متن سخنران آقای ...

نیازوف در این مراسم، حاوی دو نکته جدید و اساسی بسود. اولی، وی برای اولین بار از وجود يك ملت در دو دولت سخن راند که این مسئله با برخورد گذشته کشور ترکمنستان در این رابطه کاملاً متفاوت بوده است. در گذشته، سیاست رسمی این کشور کاملاً در جهت نفی ملی نام ترکمن در خارج از مرزهای ترکمنستان بسوده و میلیونها ترکمن خارج از مرزهای این کشور را بنا به سیاست شوروی سابق، حتی بعد از فروپاشی آن نیز، مهاجرین از خسود ترکمنستان میدانستند که در روزهای سخت "موطن اصلی" خود را ترک کیده و نه تنها شایسته کمک در مبارزات ملی آنها از طرف دولت ترکمنستان نبوده اند، بلکه مستحق لعن و نفرین نیز بشمار میرفتند!!

اما هنوز زود است که به قضاوت بنشینیم که آیا این تغییر سیاست دولت ترکمنستان در رابطه با ترکمنهای ایران، نشانه تغییر جدی در سیاست و تفکر آن با این مقوله است و یا بیشتر تحت تأثیر گشایشهای سیاسی دوران ریاست جمهوری حائمی در ایران، اسراز شده است؟ چه، ما هنوز فراموش نکرده ایم که در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسحان، در سفری که آقای نیازوف به همراه وی به مناطق ترکمن نشین ایران داشته اند، وی در سخنرانی خود در گنبد قابوس وجود ملتی با مشخصات ملی ترکمن را در ایران نه تنها شرح نکردند، بلکه وظیفه "ترکمنهای ساکن در ایران" نه مارزه حسبت احقاق حقوق ملی خود در این کشور، بلکه تنها در اطاعت محض از دولت مرکزی ایران خلاصه نمودند که این سخنان آقای نیازوف بسا ابراز حسرتی آقای مواجه شده بود!

دومین نکته جدید در این سخنرانی، شرح تنظیم رابطه ترکمنهای دو سوی مرز از طرف رئیس جمهوری ترکمنستان و ارائه برنامه ای جدید در این رابطه در سال ۲۰۰۰ میلادی به کنکره ریش سفیدان در این کشور جهت تصویب آن بوده است. بگفته آقای نیازوف این برنامه، مسئله اقامت و پذیرش ترکمنهای ایران به ترکمنستان و فعالیت آزادانه اقتصادی و آموزشی آنها را در بر خواهد گرفت.

ما با استقبال از این امر، ضیعی است که به موقسع خسود برنامه پیشنهادی خود را در رابطه با این مسئله خواهیم کرد. لذا، امیدواریم که این برنامه، حین تعمیم آن به مناطق ترکمن نشین افغانستان، مثل برنامه های گذشته بین ترکمنستان و ایران که عمدتاً نه رابطه مناطق ترکمن نشین ترکمنستان ایران، بلکه عمدتاً مناطق فارس نشین نساحی مرزی ایران بویژه خراسان را در بر میگرفتند، رابطه نزدیکتر این "يك ملت را در دو دولت" را در بر بگیرد.

سخنرانی بعدی در این مراسم، عطا الله مهاجران معاون فرهنگی و آموزشی آقای حائمی و وزیر ارشاد رژیم بود که به نمایندگی از طرف دولت ایران در این مراسم حضور یافته بود، سخنان آقای مهاجران نیز در این مراسم بیانگر آن بود که وی نیز شاحت چندان از آثار و

زندگی ماغیبه قور ندارند. وی نیز ماغیبه قوری را صرفاً شاعری اسلامی و انساندوست معرفی کردند و شاید تحت تأثیر شور و هیجان مردم در این مراسم بود که آقای مهاجرانی، "ماغیبه قوری را با گانته در ایتالیا و با فردوسی در ایران، قابل مقایسه دانستند". اما، وی فوراً "اشتباه" خود را نصیح کرده (!!) و اضافه نمودند که: "ماغیبه قوری تنها شاعر ترکمن بود که توانست با فراگیری کامل آثار اسلامی شعرا و نویسندگان بزرگ ایران، آثار آنها را به زبان ترکمنی به ترکمنها برساند!! یعنی این گانته و فردوسی ترکمنها به زعم آقای مهاجران، مترجمی بیش نبوده است!!؟ بنظر میرسد که متر است حوالت مهاجرانها را از زمان خود ماغیبه قوری بدهیم:

سوزلانده سوز مانیسی بیلیمان

اوندان بیه سوزنیمان لال یاخشی

رئیس جمهور ترکمنستان، آقای نیازوف که در میان شور شوق و کف زدهای متحد شرکت کنندگان ترکمن در این مراسم، به کشور خود بدرقه گردیدند، هنگام بازگشت از این مراسم در توقف کوتاه خود در شهرک قازانجیک ترکمنستان، امتنان و خوشحالی خود را از استقبال ترکمنهای ایران در این مراسم از وی، ابراز داشتند و از اینکه دو نفر از ترکمنهای ایران تا حد معاونت استانداری "گنستان" و مازندران، از طرف رژیم اسلامی ترفیع داده شده اند، خوشودی خود را بیان کردند.

شاید رئیس جمهور ترکمنستان، فراموش کرده اند که حواست ملتست ترکمن در ایران، بدمت آوردن پست و مقامهای ناچیز و موقتی برای بعضی از به اصطلاح ترکمنها، از رژیم اسلامی ایران نیست. چه، در این صورت از همان بدو انقلاب به نمایندگان واقعی حشش ملی ترکمن در ایران، جهت اغوا و یا تضعیف آنان پست های فرانسر از معاونت استانداریها و فرمانداریهای منطقه، از طرف رژیم اسلامی ایسران، پیشنهاد گردیده بود که همگی از طرف کسانیکه آرمانهای ملی ملت ترکمن را رهبری میکردند، قاضعانه رد شده اند.

باین نباید حواست حل مسئله ملی ملت ترکمن را در ایران تا حد اتقای دو نفر از عمال به اصطلاح ترکمن رژیم در پستهای ناچیز و موقتی تزل داد. در میان هر ملتی پست ترین عناصر آن ملت و کسانیکه در شرایط عادی جای پای خود در جامعه باز نکرده اند و با بیرون رانده شدگان از میان آن ملت، در اوج سرکوبی و لگد مال شدن اساسی ترین حقوق ملت خود از طرف رژیم غاصب و سرکوبگر و در دوران رکود و با وجود حلا رهبری ای مسخجم و حد در آن حشر، شرایط را نه تنها برای بیرون آمدن از انزوای فردی، بلکه برای رضای جاه طلبی و حل مشکل انطباق خسود سا جامعه فراهم میبند، رژیم های سرکوبگر نیز که با نفرت و انزجار عمومی ملتهای سرکوب شونده مواجه هستند، وجود ...

برای ماغیبه قوری
نسخه ۱۹۱
برای
مترجم
سوزلانده
اوندان
بیه سوزنیمان
لال یاخشی

قسمتی را در مرو در برابر ازبکان و قسمتی را در گنجه و ایروان و قسمت سوم را در قلعه مبارک آباد در سرزمین استر آباد (۱) گذاشت و بعدها بویژه در زمان "شاه سلیمان صفری در سالهای ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری، طوایف بزرگی از ترکان غربی، بعسوان مسدی در مقابل ترکان شرقی بکار گرفته شده" (۲) و طوایف قاجار از جمله بایندر، افشار، بیات، شامیاتی، سالور (۳) و... از استر آباد تا مرو ایورد و اطراف سرخس کوچانیده شدند و بعدها طوایفی سیکش از کردها نیز هم بعنوان کردهای تبعیدی و هم بعنوان ایجاد مانع بیشتر در مقابل ترکان شرقی به این مناطق کوچانیده و اسکان داده شدند که این سیاست حتی در دوره زمامداری رضاخان در ایران نیز ادامه داشته است.

تفارق مسئله فوق با کشف راههای دریایی حمل و نقل کالا از شیب دور به غرب و بالعکس از طرف انگلستان، هلند و پرتغال، در اوایل قرن شانزدهم بر تشدید و خامت اوضاع آسیای مرکزی افزود و بد از رونق افتادن کامل حاده ابریشم، این منطقه مهم از جهان باستان و قرون وسطا را در ویرانی و اضمحلال فرو برد. دو کشور بزرگ آسیای مرکزی یعنی ترکمنها و ازبکها که امپراطوریهای بزرگی در قرون وسطا در اسیا برپا کرده بودند، بیش از دیگر کشورها و ملت‌های آسیای مرکزی در این ورطه سقوط فرو رفتند. ازبکستان به خان نشین هانو امیر نشین‌های کوچگری تقسیم گردید و این خان نشین‌ها و امیر نشین‌ها در جنگی دائمی و بی پایان بر سر تصرف مناطق تحت نفوذ یکدیگر، درگیر شدند. ترکمنها که زمان در ورای مرزهای دولتهای بزرگی را ساخته بودند، اکنون در برپایی در درون سرزمین خود و برای خویش، بازمانده و نبردهای بی پایان قومی و قبیله‌ای رقیب این ملت را گرفت و مناطق وسیعی از سرزمین این ملت بزرگ سیطره امیرها و خانهای بخارا و حواریز کشیده شده و بخشی دیگر نیز به صحنه تاخت و تاز شاهان ایران مبدل گردید.

در چنین اوضاع و احوال تیره و تاریک و پر درد و رنج در حیات ملت ترکمن، در سال ۱۷۳۳ ماغیم قولی در یک خانواده روشنفکری آن دوره دنیا آمد. پدر اندیشمند وی، دولت مأمدم آزادی که خود از متفکران و مبارزان دوره خود بود، نقشی اساسی در پرورش شخصیتی ماغیم قولی داشت. ماغیم قولی تحصیلات خود را در بخارا در مدرسه شیخ فاضلی ادامه داد ولی بعد از سه سال تحصیل در آن، روحانیت متحجر این مدرسه، وی را بجزم مطالعه مستمر آثار نویسندگان و فلاسفه شرق و یونان باستان، مجبور به ترک این مدرسه کردند. ←

(۱) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، سعید نفیسی، صفحه ۲۰.

(۲) همان منبع

(۳) سائوره‌های قاجار نباید با سائوره‌های ترکمن که در نواحی استان

مرو ترکمنستان اقامت دارند یکی پنداشته بشوند.

... اینگونه افراد را مانده آسمان می‌پندارند و جهت پیشبرد سیاستهای ضد ملی و سرکوب آن ملت، بدست تفاهه‌ها و پس مانده‌های خود آن ملت، از اینگونه افراد یاری میگیرند. انقاي بعضی از این افراد از میان خود ملت ترکمن در پستهای اداری علی و استانداریها و فرمانداریها نیز نه نشانه گشایشی در سیاستهای ضد ملی رژیم اسلامی ایران در مورد ملت ترکمن است و نه اینگونه افراد صلاحیت و مشروعیت نمایندگی حقوق ملی ملت ترکمن را حتی در درون خود رژیم اسلامی را دارا می‌باشند. نمایندگان واقعی ملت ترکمن مدتهاست که از طرف رژیم اسلامی ایران، یا به حرحه‌های اعدام سپرده شده‌اند و یا در سیاهچالهای رژیم میروند و یا قفلی بزرگ بعد از رهایی از زندانهای مخوف رژیم بر دهان آنها زده شده است و یا در تبعیدی اجباری بسر میروند!

ماغیم قولی، شرایط نضج و پیدایش اینگونه افراد و اعمال علیه ملت خود را اینگونه بیان کرده است:

"گوملدی دریلار بقیلیدی داغلار

یتیملار گوز یاشین دؤکه باشلادی

اورمسیدان بولان حرام حور بگلر

یوردی هر یانیندان بقا باشلادی"

و باز ماغیم قولی شرح حال این افراد را در غیاب نمایندگان واقعی این ملت‌ها و اعمال "فرزندان واقعی این ملت‌ها را حتی در تبعید، اینگونه توصیف میکند:

"بیری غایران یگیت ایلده

باقینگ تکریلک ایلار

مرد یگیلار یامان ایلده

باشدان آغزی بیریلک ایلار"

مختصری در باره ماغیم قولی:

تا قرن شانزدهم میلادی، ملت‌های موسوم به ترکان شرقی که در منطقه وسیع شرق دریای خزر تا کوه‌های اورال و آلتای می‌زیستند، نقشی اساسی در آسیای میانه و امپراطوری ایران داشته‌اند و سلسله‌های بزرگی در ایران قلم و در خارج از مرزهای آن بر پا نموده بودند، تا جائیکه مناطق تحت تسلط خود را تا کناره‌های دریای سیاه و یا ترکیه امروزی، قفقاز، کشورهای عربی امروزه و هندوستان بسط داده بودند. اما، با بدست گیری قدرت در ایران قلم از طرف ترکان غربی، از دوران صفویه، بویژه در دوران شاه عباس صفوی نقش ترکمن شرقی در سرنوشت امپراطوری ایران و آسیای نزدیک رو به افول گذاشت. شاه عباس صفوی برای پایان دادن به نقش این ملت‌ها در سرنوشت امپراطوری ایران و خاتمه دادن به تحریک فصد ساله این ملت‌ها، بویژه ملت ترکمن و ازبک در مناطق وسیعی از آسیا، "در سالهای ۹۹۵ یا ۹۹۶ هجری، طوایف قاجار را به سه قسمت کرده،

آورده اند
کتاب گنگش
عراق
استاد
هندوستان
سازنده

ماغیتم قوی بعد از مدتی بعد از بازگشت به زادگاه خود، رومستای گرکز، جهت سیر و سیاحت و مطالعه نحوه زندگی دیگر ملتها از نزدیک، به مسافرتی طولانی به ایران، سوریه، عراق، افغانستان و هندوستان دست زد. ضیعی که این سیر و سیاحت‌های علمی ضرولان تپرانست در تکامل دیدگاه‌های فلسفی و علمی وی تأثیر عمیق خود را بر حای نگذارد. وی همچون دانشمند علوم اجتماعی و جامعه شناس بزرگ در عصر خود، به مسائل و مشکلات سرزمین ترکمن احاطه کاملی داشته و انگار که سرزمین ترکمن، در زیر نگاه ژرف و تیز بین وی همانند يك موجود کوچکِ براهی در درون دست‌های وی قرار گرفته و وی همانند هرمندی بزرگ نه تنها براهی به توصیف تمامی ناهنجاریهای آن پرداخته است، بلکه راه حل عالمانه و منطبق با واقعیت جهت زدودن هر نارسایی از دل جامعه ترکمن را ارائه داده است. تلاش مداوم برای شناخت از سرنوشت تاریخی ملت و باور به نقش قهرمانانه توده‌های ستمکش در تعیین این سرنوشت را برای اولین بار ماغیتم قوی دارد عرصه شعر ترکمن نمود و این کار پایه ای بود برای ادبیات کلاسیک مس ترکمن و کلاسیک‌های بعد از وی چون: کمینه، ذلیلی، ملا نپس، سیدی، مئناجی و مسکین قنلق و دیگران. بی بردن به این مسئله استکه یکی از رازهای حساب‌دانی ماغیتم قوی تا به امروز در میان ملت ترکمن را برای ما آشکار میسازد.

اشعاری چون، "قاچا ناشلادی"، "آخر زامانا" و یا "پوره ملی بولدی" و ده‌ها نمونه دیگر گواهی ادعای فوق و به تسلط و شناخت کامل ماغیتم قوی از وضعیت اجتماعی جامعه خود، گواهی می‌دهند. نادرینه افشار که معاصر ماغیتم قوی بود، در آن دوره جهت تسخیر سرزمین ترکمن مرتکب خونریزیها و جنایات وحشیانه بیشماری در حق ملت ترکمن گردید. شعر "پناح" ماغیتم قوی آینه تمام نمای این وحشگریهای نادر شاه می‌باشد. تا حائیکه قرائت این شعر در مجامع عمومی برای همیشه تا به امروز در ایران ممنوعه گردیده است. خسرد ماغیتم قوی همانگونه ملت و سرزمین وی از طرف تجاوزگران افشار مورد تجاوز و غارت مداوم قرار گرفته است، از گزند این جنایات در امان نمانده است. بارها طایفه وی گورگنگها و سرزمین آنها، مورد قلع و قمع وحشیانه قرار گرفته و حتی خود ماغیتم قوی به اسارت این متجاوزین در آمده که رهایی وی از این خود موضوع رمای (۱) است تأثر آور از زندگی فیلسوفی بزرگ در دوره حکمفرمای نادرشاه در ایران. بسیاری از آثار گرانقدر ماغیتم قوی در صول تاحت و تاز سپاهیان نادر شاه از بین رفته است که خود شاعر این مسئله را در شعری بنام "ریگان ایلدی" چنین توصیف کرده است:

"غابلیعه دوشمان آلدی داشمیز"

دارغادی هر یانه دنگی دوشمیز

باش یلده بتر کتاب ادن ایشمیز
فیزل باش لار آلیب ویران ایله دی

بتر نیجامیز قوی باغلی قن بولوب
نیجه لر ایزینده سارغایب سولوب
کیمی بریب اونینگ هماسیر آلیب
هر کیمه بر بللی بها ایله دی"

هسته مرکزی برنامه سیاسی و اجتماعی ماغیتم قوی را در آنسوره، جهت رهایی از ظلم شاهان ایران و خاها و امیران بخارا و خسارازم و حیوه و پایان دادن به مشقات اجتماعی در درون سرزمین ترکمن، ایجاد دولتی واحد و سراسری برای ملت ترکمن تشکیل میدهد که وی در شعری بنام "آدائسلارن"، آنرا چنین بیان میکند:

"حور قلماسین پشت به پرشتم"

برقرار دولت ایسلارن"

و در شعر دیگری بنام "امیره دونر" ضرورت ایجاد این دولت را اینگونه توضیح میدهد:

"اولکده صاحب بولماسا"

اربابلار امیره دونر

اوج ینل شیره اوچراماسا

تینکی شاغالی شیره دونر"

ماغیتم قوی، عمده ترین مانع در راه ایجاد دولت مسنی، و واحد را اختلافات قومی طایفه ای در میان ملت ترکمن میدانست. لذا، مضمون اساسی بسیاری از اشعار وی را ایده اتحاد طوایف گوناگون ترکمن در بر میگیرد و تار و پود این اشعار با احظار به ملت از نتایج محرب این اختلافات قومی و لعن و نفرین و مبارزه با خاها و سرکرده گان نظامی طوایف و روحانیون وابسته به آنها که مبلغ و تشدید کننده این اختلافات بودند، عجین شده است.

ماغیتم قوی، بنابه دیدگاه فلسفی و پیش اجتماعی خود، معتقد به دو نیروی متضاد و دائم درحال مبارزه، هم در طبیعت و هم در جامعه بود که هستی بشریت بستگی به فرجام این مبارزه دارد. مبارزه در صیعت در مرگ و زندگی و یا در عدم و هستی تجلی مییابد و در جامعه بین بدی و حوی و یا نیروهای آزادی و رهایی و ترقی و نیروهای ارتجاعی، دیکتاتوری، اسارتگر و پستی! ماغیتم قوی، همانگونه که در صیعت حوهران برتری و پیروزی هستی بر نیستی و باروری بر نارتی بود در جامعه نیز پیروزی آزادی بر اسارت و ترقی بر ارتجاع را داشت. _____ بقیه در ص ۱۹

(۱) نحوه اسارت و رهایی ماغیتم قوی از آن، در سال ۱۳۵۹ در

رمای کوچک، تحت عنوان "دعوت"، از طرف کانون فرهنگی-

سیاسی خلق ترکمن در ایران انتشار یافته است.

برنامه تدارك یافته هجوم گسترده ایادی و باند های تبه کار رژیم برای جلوگیری از افشای نقش صدر نشینان در ماجرای قتل های زنجیره ای و راه اندازی خط تولید واجبی برای خودکشی خودی ها! توقف نشریه هويت خویش، همگی نشان از یورش گام به گام بر علیه جنبش آزادیخواهی است. اما جنبش مستقل توده ای که به حمایت از مبارزات دانشجویان برخاست با صدای رسا و با شجاعت اعلام نمود:

دیگر بس است! رستاخیز فرا می رسد!

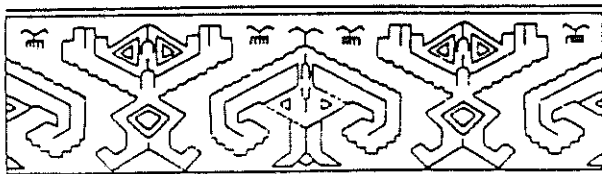
مقاومت و اراده مردم ایران برای تعمیق اصلاحات که بازتاب آنرا در نویسندگان، فرهنگ ورزان و نشریات خویش انعکاس می دهد - آن چنان گستره ای یافته که هر گونه محدودیت و خط قرمز را زیر پا گذاشته است و خود آگاهی و بالندگی شعور و عقلانیت اجتماعی، هر گونه تقدس گرایی را زیر سؤال برده و در تمامی لایه های اجتماعی نفوذ کرده است و دور افتاده ترین روستاها و مناطق را به چالش می کشاند زیرا کیفیت زندگی آنها نیز تابعی از مدارها و هنجارهای سیاسی کشور می باشد.

خواست و اراده برای رسیدن به نظامی عادلانه و دموکراتیک در تمامی آحاد اجتماعی موج می زند و هر کس و هر مقامی که در برابر این مطالبات قرار گیرد تاوان خواهد داد. امروز ولایت فقیه مستقیماً آماج تیرهای خشم آلود فرزندان این سرزمین فرار گرفته و فردا نیز ریاست جمهوری را که در اعتراضات ۱۸ تیر در لابلای تناقض ولایت فقیه و جمهوریت نظام، ظرفیت خویش را به غایش گذاشت نخواهد بخشید.

او علیرغم حکومت دو ساله اش نه تنها به هیچ یک از شعارهای انتخاباتی اش نائل نگشته حتی نتوانسته است دست جلادان و خفاشان شبانگام را در قتل های زنجیره ای رو کند و خشونت گرایان و دسته حزب الله را به تابعیت از قانون خود ساخته شان مقید سازد. بنابراین امید معجزه از این سید خندان توهم پراکنی خواهد بود. این دریای خروشان توده ای معادلات خیلی ها را در حول و حوش رژیم و نیز در بین استحاله طلبان برهم زد و گسترش مبارزه

و روند تعالی آن، اصلاح طلبان جمهوری اسلامی را بیش از پیش در تنگنا قرار داد. و هم طرفداران توسعه سیاسی و هم جناح مدافع ولی فقیه را در برابر جنبش مستقل به زیر خیمه نظام کشاند تا از تجاوز به حریم اسلام و رهبرشان دفاع نمایند. آنها از دهره و ترس از عواقب خویش سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را چاره می کنند زیرا به خوبی می دانند که یارای ایستادگی در برابر نیروی اتحاد توده ها را ندارند. دبیرخانه شورای امنیت به ریاست خاتمی در ۲۰ تیر اعلام می دارد که: هر نوع تجمع فاقد مجوز غیر قانونی بوده و از از دانشجویانی که به صورت قانونی و با حفظ آرامش از سوء استفاده عوامل فرصت طلب پیشگیری کرده اند، تشکر مینماید - که سیاستی آشکار در جهت ایجاد شکاف در صف جنبش و از نفس انداختن آن از این طریق می باشد. اما دیگر کشتی شکسته جمهوری اسلامی ساحل نجات ندارد زیرا این جنبش با هدف قرار دادن قدرت سیاسی و در رأس آن ولی فقیه تمام مستبدین ریز و درشت را مستقیماً زیر ضرب قرار داده است.

جنبش دانشجویی باید با درک و پذیرش گوناگونی گرایشات از انحصار طلبی ممانعت نماید و با همبستگی و اتحاد حضور یکپارچه خویش را قوت بخشد و جایگاه خود را به عنوان یکی از عظیم ترین ستونهای اجتماعی و غیر قابل شکست در برابر استبداد، تثبیت نماید. بایستی با گسترش جنبش عدالت و آزادیخواهی، مقاومت و حفظ استقلال آن پیروزی اش را ضمانت کرد و تناقض جمهوری و ولایت فقیه را بیش از پیش نشان داد زیرا همانطور که خامنه ای به عنوان اصلی ترین قدرت نظام در ۲۱ تیر اعتراف کرد، پاسخ نهایی آنها مرگ یا استبداد است یعنی سوگند تا آخرین نفس برای سرکوب جنبش. ارکین.



رویدادهای مهم در تاریخ ترکمن در ماه سپتامبر

- ۹ سپتامبر ۱۸۶۲ - خدمت ویلیام آبت در ستاد فرماندهی ارتش ایران در استرآباد و سواحل خزر که در حال جنگ با ترکمنها بود.
- ۹ سپتامبر ۱۹۰۶ - صدور فرمان افتتاح مجلس شورایی توسط دولت ترکی قاجار برای اولین بار در تاریخ ایران، به موجب قانون اساسی جدید ترکمنها، قشقایی ها، کردها و بختیاریها حق یافتند که نماینده ای از خود به مجلس بفرستند.
- ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۰ - تشکیل کنگره مشورتی سران جمهوری ترکمنستان بسرکردگی قایغیسز آتابای جهت حمایت از انقلابیون ترکمنصحرا.
- ۱۷ سپتامبر ۱۹۲۷ - افتتاح نخستین مدرسه فارسی زبان در گنبد قابوس.
- سپتامبر ۱۹۲۸ - قبول رسمی تغییر الفبا در ترکمنستان از عربی به لاتین.
- ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۱ - صدور فرمان عفو زندانیان سیاسی و آزاد شدن مبارز ترکمن آنا قلیچ بابای از گروه ۵۳ نفر. * ورود ارتش سرخ شوروی به ترکمنصحرا، انتصاب قلیچ بابای به عنوان کسول شوروی در گرگان.
- ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۱ - نشر روزنامه "ملت" به همت مبارز ترکمن افغانستان فدا محمد فدایی در مزار شریف.
- ۸ سپتامبر ۱۹۷۵ - انتخاب رحمانقلی سیدی و قاوشاق آلتی جعفریای بوکالت مجلس از گنبد قابوس. * به شهادت رسیدن ماهیگیران عظیم اونق و اخی قلیچ نیازی و معیوب شدن باییش و امین کنته در نتیجه شکست های مأمورین گارد شیلات تحت سرپرستی سروان حامد.
- ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۵ - شهادت رسیدن شاعر انقلابی ترکمن قربان ناظار عزیزوف در سن ۳۵ سالگی.
- سپتامبر ۱۹۷۵ - تهیه سریال تلویزیونی "آتش بدون دود"، در این سریال رژیم سعی میکرد تا ترکمنها را مردمان عقب مانده و بدور از تمدن معرفی نماید.
- سپتامبر ۱۹۸۸ - اعدام مبارزین سیاسی به هانه واحی قاجاق مواد مخدر، در بین اعدام شدگان مبارز سیاسی ترکمن حالق بردی الفت هم قرار داشت.
- سپتامبر ۱۹۸۸ - انتشار نخستین شماره نشریه "ترکمنستان ایران" در آلمان.
- ۱ سپتامبر ۱۹۸۸ - فوت کریم قربان نپس شاعر، نماینده مجلس، دارنده مقام ادبی نویسنده خلق و جایزه ادبی محتومقلی. * انتخاب یاغمیر قلی زاده بعنوان وکیل مجلس از منطقه آبی درویش (کلاله) * هجوم اهالی روستاهای امچلی و گری به پاسداران که قصد بر هم زدن مجالس عروسی را داشتند و فرار مذبحخانه آنان.
- سپتامبر ۱۹۸۹ - تأسیس انجمن فرهنگی ترکمنهای مقیم گوتنبرگ و لروم سوئد.
- سپتامبر ۱۹۴۴ - اعلام جشن نوارندگان (باغشیلار بایرامی) در ترکمنستان در هفته دوم ماه.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

"تجربه اصلاح طلبی"

روند حرکت اصلاح طلبانه مردم ایران در روزهای اخیر یکی از خمهای بحرانی خود را پشت سر گذارد. سخن های بسیاری گفته شد و اظهار نظرهای متنوعی به رشته تحریر در آمد. هر آنکس که هنوز قلبی برای طپشی هر چند مختصر برای سرنوشت کشوری با تنوع مذهبی، نژادی و فرهنگی بسیار داشت، چشمها را دوباره گشود و به سیر حوادث گوش سپرد. آنچه بیش از همه شایسته است مد نظر قرار گیرد اینست که تمامی این جنبشها و خیزشها بهر حال اجزای یک فرآیند به مراتب بزرگتری هستند که بسیاری آنرا حرکت اصلاح طلبانه می نامند و این عنوان انصافاً شایسته هرگونه توجه و پرداخت فکری می باشد.

می توان سوال کرد که چرا این بار "اصلاح" در برابر "انقلاب" قرار گرفته است. چرا همگان با چشمان منتظر و برخی با حرکت سازنده بدان چشم دوخته اند و البته نیز چرا اندکی بابدبینی به آن می نگرند و هنوز تمایل دارند در تنور "انقلاب" بدمند؟ پاسخ جامع به این سوال در گستره این نوشته مختصر نمی گنجد ولی خواننده محترم را به تفکر و تعمق شخصی در این سوال تشویق می کنیم ، چه اینکه هرکسی بنابر مطالعات و تجربیات خود می تواند دلایلی را مترتب نماید و به بحث بگذارد.

دایره بحث را کوچک می کنیم و تلاش می کنیم بازتاب این حرکت را در محدوده مردم ترکمن مورد مذاقه قرار دهیم. اگر قدری در تاریخ معاصر به عقب برگردیم، به یاد می آوریم که در بحبوحه تحول نظام پادشاهی از قاجار به پهلوی، مردم ترکمن به حمایت از شاه در حال عزل، احمد شاه، سوق داده شدند و یکی از نتایج آن بود که با قدرت یافتن رضا شاه ، اوکه از سیاست در بسیاری از موارد فقط انتقام جویی را آموخته بود ، فشاری مضاعف به مردم ترکمن وارد کرد، که نیازی به ذکر جزئیات آن نیست. قدری اخیرتر، دوباره بخش هایی از مردم ترکمن را در کوران انقلاب ۵۷ به حمایت از رژیم درحال فرو ریزی شاهنشاهی ترغیب کردند و بهر حال باید پذیرفت که پس از انقلاب بخش هایی از پیروز مندان صحنه انقلاب این واقعیت را از نظر دور نداشتند و اگر هیچگاه به طور مستقیم به آن حمایت ها از رژیم شاهنشاهی کسی اشاره نکرد، حداقل نگاهی نه چندان خوش بینانه به مردم ترکمن دوخته شد. اکنون بحث اینست که مبادا

دوباره بخشی از مردم ترکمن تحت تأثیر تبلیغات نیروهای قرار گیرند و بجای همراهی سازنده با حرکت اصلاح طلبانه مردم به اردوی محافظه کاران فراخوانده شوند و تحت عنوان حمایت از مذهب و سنتهای مذهبی از همراهی با حرکت اصلاح طلبانه مردم در دیگر نقاط ایران غافل بمانند.

در این باره باید اضافه کرد که منظور از همراهی سازنده چیست؟ مسلم است که اقلیتهای مذهبی، نژادی و فرهنگی در این سرزمین تنها در یک محیط دموکراتیک است که می تواند به جبران عقب ماندگی ها بپردازند. این را باید بدانیم که این خود مردم هستند که می توانند تغییری در سرنوشت خود بوجود بیاورند. اگر فعالانه بازیگر صحنه حرکت اصلاح طلبانه نباشیم دوباره از غافل عقب خواهیم ماند. این حرکت سازنده لازم می دارد که مردم ترکمن در تبادل فکری و سیاسی با تمام مردم دیگر ایران قرار گیرند و هیچگاه خود را حاشیه نشین فرض نکنند. هنر در این است که سهم خود را در این حرکت سرنوشت ساز فعالانه ایفا کنیم و با درک عمیق نیازها و ظرفیتهای از بی عملی و خاموشی گزینی پرهیز کنیم. اگر می خواهیم محیطی را بوجود آوریم که بتوانیم در سرنوشت خود بازیگر موثر باشیم، بایسته است که زحمت آنرا هم تحمل شویم. باید بتوانیم در ارتباط با دیگر مردم قرار بگیریم و حضور فعال خود را اعلام کنیم. قبول کنیم که باید "انقلاب بس" بدهیم و حرکت دشوار و بلند مدت اصلاحی را به جلو حرکت دهیم. بخوانیم، بنویسیم، اظهار نظر کنیم و خواسته های متین و منطقی خود را اعلام کنیم و برای حصول به مقصود تلاش کنیم. لازمه اینکه خواسته های مردم ترکمن در حرکت اصلاحی مردم ایران جایگاه خود را پیدا کند، حضور ما مردم ترکمن می باشد. در یک دموکراسی هیچکس از بیرون نمی تواند نماینده ما باشد ما نیاز به نماینده های واقعی خود داریم که همراه با دیگر نمایندگان حرف بزنند، راه حل ارائه دهد، هماهنگ کند و پیگیری نماید. زمان مناسب ترین است برای استفاده از تجربه های گذشته. ظرفیت مردم برای اصلاح قابل توسعه است و این نکته اساسی برای دستیابی به روزهای بهتر می باشد. آیا مردم و جوانان ترکمن تفاوت اصلاح و شورش را عمیقاً احساس می کنند؟ هرچه به این سوال و پاسخ های مترتب بر آن بپردازیم، تلاشی سازنده خواهد بود.

در تظاهرات اخیر که ظاهراً تحت عنوان حمایت از نهادهای محافظه کاران و بدنبال ناآرامی های دانشجویان در شهرهای مختلف شاهد بودیم یک واقعیت نهفته است. جناح

راست حکومت در تمامی سالهای پس از انقلاب ۵۷ سعی داشته است که بدنه هایی از مردم را شریک لاینفک اهداف و تمایلات سرکوب گرانه خود نماید. عناوینی همانند "خانواده شهدای جنگ"، "رزمندگان"، "ایشانگران" و نظائر آن برای این منظور بکار گرفته شده که بدنه هایی از مردم سرنوشت خود و حداقل های لازم برای گذران زندگی را گره خورده به حیات سیاسی جناح راست فرض نمایند و تاکنون جناح راست چنین القا کرده است که اگر ما برویم شما خانواده شهداء و مورد کمال خشم و غضب و بی مهری جانشینان واقع خواهید شد. تخصیص سهمیه های ویژه برای ورود به دانشگاهها و مراکز علمی، استخدام در ادارات و تأسیس بنیادهای ویژه برای رسیدگی به امور این بخش از مردم ایران تماماً هدف سیاسی داشته است. برماست که برای این بدنه از مردم و تمامی بخشهای مردم ایران روشن سازیم که در یک حکومت مبتنی بر خواست مردم حقوق طبیعی همگان ایفاء خواهد شد. بد نیست نگاهی به دیگر کشورهای دموکراتیک بیندازیم. در بسیاری از کشورهای غربی هنوز معلولین جنگی دارای برخی حقوق ویژه هستند، به عنوان مثال در کشوری مثل کانادا که هیچگاه در شرایط جنگی قرار نگرفته، معلولان جنگ جهانی دوم، جنگ کره و دیگر جنگهایی که سربازان کانادایی تحت فشار سیاستهای امپریالیستی به جبهه های جنگ رانده شدند مورد توجه قرار دارند. پس طبیعی است که در یک ایران دموکراتیک هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که معلولان و آسیب دیدگان جنگ مورد بی مهری قرار گیرند یا خانواده های کشته شدگان جنگ تحت عنوان "مزدوران رژیم" از حقوق شایسته انسانی خود محروم شوند. با آگاهی بدین روش انسانی است که می توانیم مردم فریبی جناح راست را افشا کنیم و این امر را روشن سازیم که قرار نیست همان روشهایی بکار گرفته شود که تاکنون توسط سامیت طلبان و قدرت خواهان سرکوبگر بکار گرفته شده. روش پلید ایجاد چند دستگی در مردم بر مبنای منافع کوتاه مدت روشی نیست که با حرکت اصلاح طلبانه و انسانی مردم ایران هماهنگ باشد. بدیهی است که مردم ترکمن هم همانند مردم دیگر نقاط ایران از آسیبهای جنگ دور نماندند. خانواده های آسیب دیدگان جنگ بهترین هدف های تبلیغاتی جناح راست درکنار تمسک به مذهب و انگیزه های مذهبی می باشد. پس باید این طرح جناح راست را نیز خنثی کرد.

نکته دیگر که در خور توجه است، هوشیاری در احتراز از فریب دیگری است که مدتها

است تحت عنوان تنها آلترناتیو "جمهوری اسلامی"! مطرح است. برخی از گروههای سیاسی آشکارا خود را قیم تمام مردم می دانند و به نحو روشنی تلاش دارند سرپوشهای گوناگونی برای موضع گیری ها، عملکردها و سیاستهای شکست خورده خود طراحی کنند. این که سرنوشت مردم باید بطور واضح و روشن توسط حضور فعال مردم و بدور از گروه گرایی و سازمان پرستی رقم بخورد، اصلی مسلم از حرکت اصلاح گرایانه می باشد. چه کسی می تواند زمام اعتماد خود را به گروههایی بسپارد که هیچگاه خود را مسئول عملکردهای خود ندانسته اند و همواره همانند تمامیت طلبان در صدد این بوده اند که اثبات نماید یا همه چیز یا هیچ، یا "ما" یا هیچ کس دیگر. روشن است که ما بدنبال یک "قدرت مطلقه" دیگر نیستیم و این امر در تمامی مراحل حرکت اصلاح طلبانه باید دنبال شود. فریبی بزرگ است اگر تصور کنیم که اکنون اولویت ها چیز دیگری است و باید تن به خواسته های تمامیت طلبانه گروههای مسلح خارج مرز نشین داد و یا تحت تأثیر تبلیغات مسموم و انحصار طلبانه آنها قرار گرفت.

اگر حرکتی عمیقاً اصلاح طلبانه است، در تمام ریشه ها و اندیشه های منتسب به آن باید اصلاح طلبانه باشد. اصلاح طلبی یک مفهوم بنیادی است، چه در روشها و چه در آرمانها. فراموش نکنیم که استبداد طلبان چگونه در هر دو جبهه هماهنگ عمل می کنند. از یک طرف جناح راست مدعی است که مدافع مذهب، مردم و تمامیت ارضی و تعالی مملکت است، و طرف دیگر در حالیکه دم خروس عیان است فریادی مشابه بر می آورد و درست در لحظاتی که مردم خود آگاهانه بدنبال خواستهای معقول خود هستند مدعی رهبری همه چیز و همه کس می شود. اگر قرار بر اصلاح است باید همه جانبه بدان اندیشید و هرکس و هر گروه که روند اصلاح را به ضرر خود می بیند باید احساس کند که مورد حمایت مردم قرار نخواهد گرفت.

امسال بی شک سالی سرنوشت ساز خواهد بود. انتخابات مجلس ششم در پیش است و هیچ راهی جز شرکت فعال در انتخابات نمایندگی نیست. خطرات و مخاطرات بسیار است. جناح راست از هم اکنون تدارک عمده ای در غریب کردن نمایندگان بالقوه دیده است و بطور جدی مصمم است از اکثریت یافتن اصلاح طلبان جلوگیری کند. بخاطر داشته باشید که وقتی می گوئیم اصلاح طلبان منظور این نیست که تمامی آنان ایده آل های ما هستند. خیر. می گوئیم اصلاح طلبان چون پتانسیل تحول مثبت در آنان دیده می شود.

چون این یک حرکت رویه جلومی باشد. اصلاح طلبی خاتمه پذیر نیست، مهم اینست که ظرفیت پذیرش اصلاحات وجود داشته باشد. پس شایسته است که قدمها برداشته شوند، هرچند کوچک و ناقص. گستره عظیمی را در برابر داریم. در تمامی وجوه نیاز به اصلاح داریم ولی بدهی است در یک چشم انداز گسترده قدمها متناسب با ظرفیت ها ارزیابی می شود نه در مقایسه با نیازها. با هر حرکتی ظرفیت ها گسترش می یابد و جبهه های جدیدی برای اصلاح باز می شود. به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می کنیم. در حال حاضر طرح تقسیم انتخابات کشوری چنان است که یک نماینده از گرگان و آق قلعه بطور مشترک راهی مجلس می شود. آیا احساس نمی کنیم که این طرح تقسیم نیازمند "اصلاح" است؟ آیا هیچگاه نماینده ای که توسط اکثریت مردم این دو منطقه انتخاب می شود می تواند تمامی مشکلات مردم آق قلعه را منعکس و پیگیری نماید! ما می گوئیم آری فقط در صورتیکه در جریان یک پروسه زمان مند و پخته اقلیت همان احترام و حقوقی را دریافت کند که اکثریت. تا آن زمان نیاز داریم که نماینده مردم آق قلعه در مشارکت با مردم مثلاً بندر ترکمن و یا گمیش دفه و توابع آنها به مجلس فرستاده شود. ایده آل این است که یک ترکمن بتواند نماینده مردم بندرعباس هم باشد ولی تا آن زمان، حرکت اصلاح طلبانه ایجاب می کند که از دایره نزدیک شروع کنیم و سپس گسترش طبیعی آن را خواستار باشیم. لازمه چنین حرکتی مشارکت فعال در انتخابات و انتخاب مناسب ترین نماینده می باشد و همزمان طرح این خواسته معقول و منطقی مردم ترکمن که نماینده مردم باید مربوط و برخاسته از مردم ترکمن باشد. امیدواریم در زمانی نه چندان طولانی مذهب و نژاد عامل تمایز نباشد و هر انسانی بتواند نماینده انسانهای دیگر باشد. دردمندانه امید می بندیم که این بار تجربه شده ها را تجربه نکنیم و این حرکت، حرکتی باشد که هر روز امیدی از امیدهای تمام مردم این سرزمین را برآورده نماید.

والسلام

جمعی از دوستداران مردم ترکمن

باما میتوانید از طریق این آدرس تماس بگیرید:

PO Box 28056 TERRY TOWN PO
2369 KINGSTON RD.
SCARBOROUGH, ONTARIO, MIN IV1

شکست طالبان در تاشکند

این کشور بود. ارتباط بین تاجیکستان و ازبکستان تیره و سرد و هر دوی این کشورها همدیگر را در تقویت تنشهای اجتماعی و تروریسم در پایتخت همدیگر متهم می‌کردند.

سفر وزیر خارجه ازبکستان عبدالعزیز کامیلوا در ماه ژوئن گذشته به مسکو و دیدار متقابل وزیر امور خارجه روسیه ایسگور ایوانوف از تاشکند و مذاکرات سه گانه با حضور وزیر خارجه تاجیکستان تالباک نازاروف نقطه عطفی بود در تغییر نقطه نظرات رهبری ازبکستان و پیوستن آن به بلوک روسیه - تاجیکستان.

از دلایل اصلی این تغییر دیدگاه رهبری ازبکستان میتوان و شاید از نفوذ و رشد نیروهای اسلامی در ازبکستان که توسط طالبان افغان حمایت میشدند نام برد.

سیاست و تاکتیک اولیه کشورهای متحد که در بالا به آن اشاره شد در مورد افغانستان در درجه اول آن خواهد بود که همه نیروهای درگیر در این کشور را به وحدت و یگانگی برای تشکیل دولت اتلاف تشویق نمایند، در ضمن آنکه در تمام این مدت با امکانات خود به تقویت مواضع احمد شاه مسعود و نیروهای تحت رهبری آن کمک نمایند. و اگر این سیاست موفقیت کسب نکند در آن حالت تاکتیک انفعال و ابزارهای طالبان در میان کشورهای همسایه و جهان پخش برده شود. لازم به گفتن است که در برخورد دولت ایالات متحده آمریکا یار دیرین حرکت‌های اسلامی افغانستان نیز در کنار حشر طالبان تغییرات مشخصی علیه آنها شکل گرفته است. علت این امر پنهان شدن اوسامه بن لادن سعودی در افغانستان و حمایت طالبان از او می‌باشد.

صدور فرمان محاصره اقتصادی طالبان از طرف دولت آمریکا که توسط بیل کلینتون چند وقت پیش صورت گرفت از طرف آگاهان سیاسی معرکه يك امر خارق العاده یاد میشود. با این فرمان دولت آمریکا می‌خواهد نشان دهد که حاضر است سیاست حمایت خود را از نیروهای رادیکال اسلامی که از مقطع اشغال افغانستان توسط شوروی به اجراء گذاشته بود، تغییر دهد. هنری کسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا در کتاب "دیپلماسی" خود که ۵ سال پیش نشر یافت برشته بود که "اشتراک نیروهای مسلمان افغان با امریکایی‌تر از اشتراک کردنیان ریشیه با سلطان ترک" بود. آنچه آنها را همه نزدیک می‌کرد

احمد شاه مسعود رهبر اتحادیه نیروهای شمال افغانستان و اوسامه بن لادن میلیاردر سعودی در مقطع اشغال افغانستان توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی هر دو در يك جبهه علیه آن جنگیدند. در هفته های اخیر حوز حوش این دو شخصیت تأثیرگذار در زندگی افغانستان که امروزه در جبهه های مختلف قرار دارند حوادث و اتفاقاتی می‌افتد که در نهایت می‌تواند به همه خوردن توازن قوا در این کشور بیخامد.

کنفرانس کشورهای "دوستان افغانستان" که با شرکت معاون وزیرای خارجه آمریکا، روسیه و کشورهای همسایه آن در تاشکند با رهبریت سازمان ملل در چند روز اخیر تشکیل شده بود هیچ راه حلی مشخصی برای برون رفت افغانستان از وضعیت اسفبار کنونی آن در بر نداشت. معجزه واقعی پیدایش احمد شاه مسعود رهبر نیروهای اتحادیه شمال افغانستان که علیه طالبان می‌جنگند، در تاشکند بعد از پایان کنفرانس یاد شده بالا بود. اسلام کریموف رئیس جمهور ازبکستان وی را پذیرفت و به گفتگو با او نشست.

برای کسانی که پیرو حگ افغانستان و حوادث حوز و حوش آنرا پی گیری میکنند این دیدار واقعه ای بزرگ و غیر از انتظار بحساب می‌آید. کریموف و حکومت ازبکستان مدتهای مدیدی فاصله معین را با احمد شاه مسعود حفظ کرد، او ترجیح میداد که در مبارزه با نیروهای شبه نظامی طالبان با ژنرال ازبک، دوسترم همکاری داشته باشد تا با احمد شاه مسعود، اما بعد از اینکه ژنرال دوسترم صحنه مبارزه را ترک کرد، اسلام کریموف متحدی در مبارزه با طالبان نداشت و هنگامی که سیاست آنها برای دوستی و نزدیکی با طالبان نتیجه ای بجز نداشت و در شرایط تقویت فائیتیزم اسلامی در ازبکستان که توسط طالبان حمایت میشدند، برای رهبری ازبکستان آشناترین دیگری نیز نزدیکی به بلوک روسیه - تاجیکستان و نیروی مورد حمایت آنان در افغانستان احمد شاه مسعود رهبر اتحادیه نیروهای شمال افغانستان مانند.

مسئله است تغییر نقطه نظرات رهبری ازبکستان و نزدیکی آن به نیروهای ضد طالبان در آرایش نیروها در منطقه آسیای مرکزی تأثیرات معین خواهد داشت. قبل از این اسلام کریموف شدیداً مخالف سیاستهای روسیه در تاجیکستان و حضور نیروهای نظامی روسیه در

دشمن مشترك روسيه بود. و اين اتحاد امروز تره ك برداشته و كم كم هم مبهورد. از انگيزه های شماره يك هم حورردن دوستيهای ديروزی خطر تروريسم عليه امريكا و امريكائيان است كه از افغانستان آنها را تهديد ميكند. علت اصلي صدور فرمان محاصره اقتصادي طالبان از طرف بيل كلينتون اين بود كه حرکت به اوسامه بن لادن سعودي كه از طرف دولت امريكا تروريسم " شماره يك" نامگذاري شده در افغانستان پناه داده است.

نيروهای امنيتي دولت امريكا و سازمان سپاه معتقدند كه بن لادن و نيروهای تحت رهبري او سازمان دهندگان اصلي انفجار سفارت خانه های امريكا در كنيا و تانزانيا هستند كه در نتيجه آن بيش از ۲۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. سازمان سبا امريكا ميگويد بن لادن در كوههای افغانستان پنهان شده است.

تمايل شديد دولت امريكا براي تحويل گرفتن ميلياردر سعودي از نقطه نظر سياست آينده نگري نيز حائز اهميت است. امريكائيان معتقدند كه بن لادن و ايدئولوژی او كه ميگويد امريكا و امريكائيان دشمن شماره يك اسلام و مسلمانان است، نه تنها در ميان طبقات پائين حوامع فقير نگه داشته شده گسترش پيدا ميكند، بلكه در ميان طبقات ثروتمند كشورهای چون عربستان سعودي و ايالات متحده عربی نيز نفوذ مي يابد. چندی پيش نيروهای امنيتي امريكا با خبر شدند كه بانك اسلامي دوی كه توسط يكي از رهبران ايالات متحده عربی اداره ميشود به اوسامه بن لادن اجازه داده بود كه از طريق بانك آنها عمليات بانكي انجام دهد. از طرف ديگر در بحران كنون در پاكستان و دولت نواز شريف كه نيروهای حزب جماعت اسلامي او را به حياتت واستفاده های مالي در جريانات انتخابات متهم مي كند مجدداً شخصيت "تروريسم شماره يك" مطرح است. حزب جماعت اسلامي اعلام کرده است كه نواز شريف در جريان انتخابات ۱ ميليون دلار از ميلياردر سعودي دريافت داشته است تا در پاكستان يك حكومت كامل اسلامي برقرار سازد. اين خبرها دولت امريكا را از درگيري با " حكومت اسلامي كامل" ايران تا حالا خلاصی نيافته است بشدت دچار تشويش ساخته است.

از قرآين اينطور برمی آيد كه همه اين دلالت دولت واشينگتن را وادار به صدور فرمان يادشده بالادر ارتباط با حرکت طالبان در افغانستان کرده است، كه اميدوار است از اين طريق به انزوای بين المللي آنها شدت بخشد.

طبيعي است در اين حالت دولت امريكا به متحدين جديد در مبارزه با طالبان نياز خواهد داشت و مسلم آنكه اولين كاندید در اين مبارزه نيروهای اتحاد شمال افغانستان برهري احمد شاه مسعود خواهند بود. حرکت طالبان چندی پيش اعلام كرد احمد شاه مسعود با امريكا مذاكرات سری داشته و به آنها برای دستگيري و تحويل بن لادن قبول

ادامه صر آخر بيانيهء سازمان دفاع

و اين امر مرحبات عدم تمرکز قدرت در يك محل و يا در يك حزب را فراهم ميكند.

حكومت فدراتيو آينده ميتواند دارای مشخصات كلي زير باشد:

۱- در قانون اساسی بايد درج شود كه ايران چند مليتی، از بجموعه ايالات خود مختار در امور داخلي خود تشكيل شده است.

۲- كشور ايران يکپارچه است.

۳- ايالات خودمختار از ضيق شورای ايالات، كه مركب از مسئولين ايالات است، در قانونگذاري مستقيماً شركت خواهند كرد

۴- بين حكومت مركزي و حكومت های خودمختار ايساني در رابطه با وظائف دولتي تقسيم كار خواهد شد؛ بگونه ای كه وابستگي دو جانبه بين آنها ايجاد گردد. حكومت مركزي و حكومتهای ايلاني حدود و وظائف مشخصی خواهند داشت. ضريفين حق عدول از حدود و وظائف حويش و دحانت در امور ديگري را نخواهد داشت.

۵- ايالات خودمختار قوانين اساسی خاص حويش را خواهند داشت كه در چارچوب قانون اساسی ايران تدوين خواهند شد.

۶- همه ي ايالات خودمختار در برابر حكومت مركزي از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود.

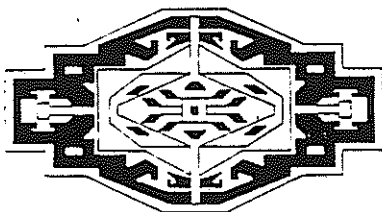
پياده كردن اين اصول در ايران دموكراتيک و فدراتيو ضامن حسن مسايل پيچيده ي ملی و حفظ تماميت ارضی خواهد بود.

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق تركمن آماده است با هر حزب و سازمان و شخصيت های كه به اصول دموكراسی پابندند، برای ايجاد جامعه ای ملين در ايران و برقراری دموكراسی و تشكيل حكومت فدراتيو همكاری كند.

هيئت اجرائيه

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق تركمن

اوت ۱۹۹۹



مستقل کاتالانی است. با این مطالبه حزب چپ در سال بنیانگذاری اش یعنی ۱۹۳۱، ۶۰٪ رأیها را در انتخابات کسب کرد.

معدالك قانون اسپانیایی این چهار کاتالانی را توسط سرکوب پلیس و زبان ترورمآب کاستیلین ها به یأس کشاند. برای تداوم مقاومت، لوئیس کامپاس توسط یاران تأسیس کننده ERC، توانست چپ های کاتالانی را در داخل جبهه خلق رهبری کند که در سال ۱۹۳۶ در انتخابات پیروز شد و برای کاتالان یک دولت خودی را به ارمغان آورد. **Iniciativa Per Catalunya** یک ائتلاف حزبی کمونیستها - سبزها (۱۱ نفر در پارلمان کاتالان) به حساب می آید که از اسپانیا می خواهند یک جمهوری متحده بسازند. همچنین جمعتهایی وجود دارند که در انتخابات شرکت نمی کنند و به CIU در مورد خودمختاری مفروضانه ایراد می گیرند.

مضافا ناسیونالیست های چپ به نام **Moviment d'Esquerra Nacionalista** وجود دارند که خودشان را با باسکیهای **Herri Batasuna** و **Moviment de Defensa de la terra** هم سر می گردانند. در منطقه خود مختار باسک، احزاب ناسیونالیست باسکی با همدیگر ۶۰٪ آراء را در اختیار دارند. قدیمی ترین و سنتی ترین آنها **Eusko Alderdi Jeltzlea** است که در سال ۱۸۹۵ توسط **Sabino Arana** تأسیس شد و به نام **Parteido Nacionalista Vasca (PNV)** معروف است. ۳۰٪ در صد آراء حزب حاکم سرزمین باسک است. این حزب در چهارچوب اتونومی با مادرید همکاری می کند. باوجود این PNV حق تعیین سرنوشت کامل را مطالبه می کند و در موافقت با اتحاد سرزمین باسکها در بخش اسپانیا و فرانسه با **Navarr/Nafarrona** اعلان نظر کرده است. این مهارت عبور از موانع و مشکلات برای PNV موانع و مشکلات عمیقی را به همراه آورده است. تفاوت نظر باعث انشعاب تحت ریاست دولت سابق منطقه باسکها

ادامه ص ۱۴ ... همکاری داده است. احمد شاه این سخنان طابیک را تکذیب کرد ولی از طرف دیگر اعلام کرد: "بن لادن و صدها تن از عرهای طرفدار او باید افغانستان را ترک کنند، در افغانستان حسای برای مدعیین فاتیك مثل بن لادن نیست". چندی پیش دای روره بکر سناتور امریکایی گفته بود، واشنگتن "حیلی وقت است که از حرکت های ضد غری و تروریستی طابیک اطلاع دارد ولی علیه آنها از حرکت مشخصی خودداری کرده است". در وضعیت کنونی با توجه به اینکه نیروهای هرادار، تروریست سعردی به "فعالیتهای" خود شدت می بخشند، سیاست سکوت دولت امریکا در مقابل حرکت طالبان مدت زیادی طول نخواهد کشید. و در آن صورت است که سیاست دولت امریکا با دولت روسیه در مورد مسئله افغانستان میتواند در کنار هم و در یک جبهه علیه طالبان قرار بگیرد.



مقاومت مر برابر مرکز ((قسمت آخر))

چطور مناطق اوتونوم با و بر علیه مادرید کار می کنند. در سال ۱۹۷۴ فرزند یک بانکی کاتالانی بنام جوردی پوزول (**Jordi Pujol**) به شکل مخفی حزب متعلق به منطقه اوتونوم **convergencia democratica de Catalunya** را تأسیس کرد. از زمانی که او در سال ۱۹۷۹ با دموکرات مسیحی ها به نام اتحاد دموکراتیک **Uion Democratica** پیوند برقرار کرد، این صاحب تاکتیک و باهوش در تمامی انتخابات کاتالان پیروز می شود حزب اتحاد دموکراتیک برای انجام رفرم در قوانین ۱۷ منطقه اتونومی و قانون اساسی سال ۱۹۷۸ فشار می آورد. الگوی آنها کبک و نقش ویژه اش در کانادا و همینطور کانتونهای تمرکز زدای سوئیس با برابری درجه اعتبار زبانها می باشد. نزاع بر سر اختیارات بیشتر خودگردانی کاتالانها منجر به کناره گیری دبیر کل حزب **CiU** بنام مایکل روجا شد. او اساسا یک اتونومیست معتدل و ملایم بود. تندترین مخالف **CiU** در بارسلون، **ERC** است که ۱۳ نماینده در پارلمان کاتالان دارد. **ERC** طرفدار یک دولت

حاضرکی زمان ترکمن و ترک ادبیاتی نئنگ کرون باشلاری

بولان استادلار " کریم قوربان نپس بیلن شهریار " شاهنر - لارننگ دونیه دن غایدانئنگ ۱۱ نیل لئغینا.

استادلار

ایکی عاشق ترک اتدیله دیارئن،
باغش اتدیله بیزه سؤیگیلی
یارئن.

باغش اتدیله رمان، لیریکی آدی
یارئن
گویز ساری، یاز یاشئل کؤینک لی
یارئن،
داغ دره لی داشلی بولاق لی یارئن،
چؤل لرینده کریم آتانگ شهدی بار،
داغ لارنئندا آت اویناتیبار
شهریار.

اوغوز لارننگ گجدی قوشه پرزندی،
هجرانئندان یاسلی یۆرک یاندى،
یبری آی-دی، یبری مثالی گۆن-دی،
آی باتدی جرگلان غارالدى گیتدی،
گۆن باتدی سبلان سارالدى
گیتدی.

آی باتسادا، گۆن یاش سادا، نور
سولاز،
نار سۇنسه ده، کؤل آستئندا
غورسۇنمز،
غورساغئندا الهامی بار ار اولمز،
کریم دۇرار، یۇنه کریم بار اولماز،
هر غزل یازاندا، شهریار اولماز.

عجل! برمه بیزه هجرانی بیله،
استادا زار اتمه دستانی بیله،
بلبله غسئراغما بوستان بیله،
داغ یاشاسئن دومان گرگ، سیل
گرگ،
باغ یاشاسئن بوستان گرگ، گل
گرگ.

ترکمن صحرا- س.ث



بیرآی-دا، ایکی داغ گجدی دؤوردن،
ایکی سی نینگ -ده اؤرک-اؤزه نی بیر
یردن،

بیری غور غوت آتا، بیری کیمیر دن،
کیمیر اوغلا گؤزل دوران آغلادی،
غور غوت اوغلا گؤزل مغان آغلادی.

غورغوت نسلی استاد شهریار دی،
غوشغی لار عالم نینگ شهسواری دی،
حیدر با با بییک یادگاری دی،
غالدى ینه دریا یالی غزل لار،
غزل لارننا نغمه دؤزیار گؤزل لر.

کیمیر نسلی کریم قوربان نپس دی،
چؤل سؤیوپ داغ یالی اوسدی،
ارمان عجل ایردن عمرینی کسدى،
چاره یوق دیر عجل شراب داتمالی،
شهریار بولسانگ دا موندان اؤتمه
لی.

پایاماسی پیام بولدی، پای بولدی،
سؤزه چیر بولدی، گبه پای بولدی،
استاد پوشکین، بردی کره تى
بولدی،
گنج لره غارا یر خریدار بولدی،
بیری کریم، بیری شهریار بولدی.

حیدر با با شهریارننگ غوجالدى،
غوجال سادا - سنینگ باشئنگ
اوجالدى،
شهر یارننگ آلیپ گیدن عجل دی،
گلدی بیر گۆن دیدی بیزه کیمینگ
بار،
آلیپ گیتدی بیزدم بیر شهریار.

منننگ باغرئم ات دنر، سنینگ
باغرئنگ غان،
دردیمیزه درمان تاپمادی زمان،
استاد پایاما، لیریکی، رمان

ادامهء ص ۲ بیانیهء سازمان ملی...

و این فقر و بیکاری که ثمره سیاست ضد ترکمنی و تبعیض ملی رژیم اسلامی است، به ناگزیر زمینه برخوردها، تصادمات و حتی دشمنی " بومی ها" و "غیر بومی ها" فراهم خواهد ساخت.

جمهوری اسلامی به این هم بسنده نکرده، جبهه دیگری نیز به روی خلق ترکمن گشوده است. این رژیم مدت قریب به بیست سال است که جنگ اعتیاد علیه ترکمن ها را آغاز کرده است. هدف از این جنگ نابودی روحی و جسمی جوانان ترکمن و انتقام کشی از خلق ترکمن به دلیل مقاومت آنان در برابر رژیم و مهار کردن روحیه مقاومت و حق طلبانه این خلق است. این چه نوع رژیمی است که، چنین سیاست محرب و خانمانسوزی را در قبال شهروندان خویش با تمام قدرت و امکانات خود این شهروندان، پیگیرانه دنبال می کند؟! تنها، رژیمی غیر قانونی که مسئولین آن را مجرمین تشکیل می دهند، قادر به اتخاذ چنین تصمیماتی و پیاده کردن آنهاست.

حوادث اخیر و اعتراضات وسیع دانشجویان در شهرهای مختلف ایران بوضوح نشان داد که مردم ایران بیش از ایبمه قانون شکنی ها را تحمل نخواهند کرد و حوهران برچیده شدن بساط ولایت فقیه و ایجاد جامعه ای مدن و حکومت قانون اند. نظامی که " بر پایه ایمان به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و معاد و نقش سلزنده ای آن در مسیر تکاملی انسان... و اجتهاد مستمر فقهای حنماع الشرایط، بر اساس کتاب و سنت معصومین... (اصل دوم قانون اساسی) بنا نهاده شده باشد، نمی تواند خواستگاری حواسنهای انسانهای مدرن امروزی که در عصر کامپیوتر و اینترنت بسر میبرند، باشد. ایران امروز به موازین و قوانینی احتیاج دارد که مقتضیات حال را بیان کنند و نظر به آینده داشته باشند نه قوانینی که ریشه در قسرون وسطی دارند و متعلق به چند هزار سال پیش اند.

از ابرو تغییر قانون اساسی اسلامی و تدوین قانون اساسی جدید از جمله عاجلترین وظایف ارگانهای دموکراتیک دولت آینده خواهد بود. سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن نهادی است دموکراتیک و

بایسد به تمامی اصول دموکراسی. این سازمان از برقراری دموکراسی در ایران و ایجاد جامعه مدن و حکومت فدراتیو پشتیبان میکند. وسیله دست یافتن به این حواست ها نیز باید وسیله ای قانون چسرون انتخابات آزاد و عمومی باشد. بدیهی است که لازمه ای اجرای انتخابات عادلانه مبتنی بر موازین دموکراسی، وجود احزاب سیاسی مختلف در یک جامعه پلورالیستی و حضور ناظران بیطرف بین المللی خواهد بود. جامعه ایران متأسفانه از دارا بودن چنین شرایطی در حال حاضر فاصله زیادی دارد.

حرکات اعتراضی اخیر و جسور دانشجویی پدیدده ای بسیار نادر و این فقر و بیکاری که ثمره سیاست ضد ترکمنی و تبعیض ملی رژیم اسلامی است، به ناگزیر زمینه برخوردها، تصادمات و حتی دشمنی " بومی ها" و "غیر بومی ها" فراهم خواهد ساخت.

جمهوری اسلامی به این هم بسنده نکرده، جبهه دیگری نیز به روی خلق ترکمن گشوده است. این رژیم مدت قریب به بیست سال است که جنگ اعتیاد علیه ترکمن ها را آغاز کرده است. هدف از این جنگ نابودی روحی و جسمی جوانان ترکمن و انتقام کشی از خلق ترکمن به دلیل مقاومت آنان در برابر رژیم و مهار کردن روحیه مقاومت و حق طلبانه این خلق است. این چه نوع رژیمی است که، چنین سیاست محرب و خانمانسوزی را در قبال شهروندان خویش با تمام قدرت و امکانات خود این شهروندان، پیگیرانه دنبال می کند؟! تنها، رژیمی غیر قانونی که مسئولین آن را مجرمین تشکیل می دهند، قادر به اتخاذ چنین تصمیماتی و پیاده کردن آنهاست.

حوادث اخیر و اعتراضات وسیع دانشجویان در شهرهای مختلف ایران بوضوح نشان داد که مردم ایران بیش از ایبمه قانون شکنی ها را تحمل نخواهند کرد و حوهران برچیده شدن بساط ولایت فقیه و ایجاد جامعه ای مدن و حکومت قانون اند. نظامی که " بر پایه ایمان به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و معاد و نقش سلزنده ای آن در مسیر تکاملی انسان... و اجتهاد مستمر فقهای حنماع الشرایط، بر اساس کتاب و سنت معصومین... (اصل دوم قانون اساسی) بنا نهاده شده باشد، نمی تواند خواستگاری حواسنهای انسانهای مدرن امروزی که در عصر کامپیوتر و اینترنت بسر میبرند، باشد. ایران امروز به موازین و قوانینی احتیاج دارد که مقتضیات حال را بیان کنند و نظر به آینده داشته باشند نه قوانینی که ریشه در قسرون وسطی دارند و متعلق به چند هزار سال پیش اند.

از ابرو تغییر قانون اساسی اسلامی و تدوین قانون اساسی جدید از جمله عاجلترین وظایف ارگانهای دموکراتیک دولت آینده خواهد بود. سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن نهادی است دموکراتیک و بایسد به تمامی اصول دموکراسی. این سازمان از برقراری دموکراسی در ایران و ایجاد جامعه مدن و حکومت فدراتیو پشتیبان میکند. وسیله دست یافتن به این حواست ها نیز باید وسیله ای قانون چسرون انتخابات آزاد و عمومی باشد. بدیهی است که لازمه ای اجرای انتخابات عادلانه مبتنی بر موازین دموکراسی، وجود احزاب سیاسی مختلف در یک جامعه پلورالیستی و حضور ناظران بیطرف بین المللی خواهد بود. جامعه ایران متأسفانه از دارا بودن چنین شرایطی در حال حاضر فاصله زیادی دارد.

حرکات اعتراضی اخیر و جسور دانشجویی پدیدده ای بسیار نادر

سابق در ترکستان شوروی، برای ملت ترکمن بسرآورده شده میدانستند و مبارزه برای تحقق آنرا متعلق به قرن قبل از تحقق انقلاب اکثر در شوروی تلقی میکردند! متأسفانه امروز نیز این سیاست در ترکمنستان به شکل ظاهری دیگر کماکان به حیات خود ادامه میدهند.

دومی، با توجه به صبح رشد شعور اجتماعی در دوره ماغیبه قسولی و تسلط دین و مذهب در مراکز و مدارس آموزشی آندوره کسه وی نیز در آنها آموزش دیده بود، طبیعی است که ماغیتم قسولی نیز نمیتوانست کاملاً بدور از دیدگاههای مذهبی دوران خود و باز معنیان اندیشمندی توانا نمیتوانست دیدگاههای مذهبی عرفان خاص خود را نداشته باشد. اما دو عامل باعث شده است که بسیاری از مردم عادی ترکمن وی را جزو مقدسات مذهبی خود بدانند.

عالم اولی، مردم عادی در زمان حیات خود ماغیتم قسولی و تا مدتها بعد از حیات وی، چون دیدگاههای فلسفی و عرفان ماغیتم قسولی از جهان هستی، درکی عمیق و همه جانبه بوده و در زمان حیات وی فرسنگها از درک رایج مردم از مسئله فوق فاصله داشته است، اشعار و افکار وی را نزولات آسمانی می پنداشتند که از عالم غیب بسوی وحی میشود. عامل دوم که بویژه در ایران عملکرد ملموسی داشته است منجر به ترسیم چهره ای روحانی و مقدس در اذهان عامه شده است. بدین ترتیب که بعد از تقسیم و اشغال نیمی از سرزمین ترکمنان صرف حکومتهای مرکزی و شوروی وقت در ایران، مردم بخاطر اینکه شبهای شعر و دوره نشینی آنها جهت استماع اشعار ماغیتم قسولی و حضور آنها بر سر مزار ماغیتم قسولی و پدر وی آزادی، جهت احترام به آنها، از چشم مأمورین دولتی و از ایداء و آزار آنها در امان بمانند، همیشه نام ماغیتم قسولی را با پسوند "ایشان" همراه میکردند تا واکسرد سازند که وی یکی از مقدسین مذهبی آنهاست! اما بعد از گذشت چند نس این پسوند بنام ماغیتم قسولی در اذهان عمومی تثبیت و سه امری عادی تبدیل گردید. بنابراین اگر ترکمنهای ایران ماغیتم قسولی را با پسوند "ماغیتم قسولی ایشان" خطاب میکنند، اما در کشور ترکمنستان، ترکمنهای این کشور وی را "ماغیتم قسولی آنا" خطاب میکنند. البته در مذهب و روحان جلوه دادن ماغیتم قسولی در اذهان عمومی ترکمنهای ایران نباید به نقش بسیاری از روحانیون دگم مذهبی که لها داد. آنها همیشه سعی کرده اند که تنها با چاپ و قرائت نهای اشعار مذهبی ماغیتم قسولی، بدون توجه به مضامین اصلی آنها به دور فوق در میان مردم دامن بزنند و بعضی از ناشران ضاع نیز تنها با نشر دست چینی از اشعار وی با مایه مذهبی که مورد پسند این دست از روحانیون ترکمن و عقب مانده ترین اقشار اجتماعی ترکمن بوده است، کیسه خود را از قبل این باور غیر واقعی و خود ساخته از ماغیتم قسولی پر ساخته اند.

وی پیشبرد تأمین آزادی و ترقی را بر عهده پیشروان جامعه میدانست که آنها را با صفاتی چون "مردانا اولر"، "فوج یگیندیر"، "مرد یگیندیر" توصیف کرده بود که میباید وارد کارزاری و محابا با حاملین اسلوت ملتها و ارتجاع داخلی گردند که آنها را نیز با صفاتی چون "ناسلودلر"، "ارمست" و "دیر" توصیف میکرد. وی این جوامع را با پیشروان و پیشاهنگان جامعه را نیروی محرکه جوامع در خروج عیبه پیدادگرها میدانست و عدم وجود آنها در هر جامعه ای را به کاروان تشبیه میکرد که بدون ساریان میخواید بار خود را به مقصد برساند. بنابراین، ماغیتم قسولی در بسیاری از اشعار خود قهرمانان و شیر مردان را به تصویر میکشد که در نبرد استوار و در مقابل دشمن برحمت و در مقابل افتادگان و توده های مردم بر از عطوفت و مهربان هستند و بدور از هرگونه خصائل غیر اخلاقی و ضد مردمی، وطن پرستان بسر شوری هستند که هر آن آماده فدا ساختن جان خود بخاطر آنها دارند. ماغیتم قسولی، جهت بیان و نشر هر چه بهتر افکار فلسفی خود و بیای تفهیم هر چه عمیقتر نظرات سیاسی و اجتماعی، تربیتی و اخلاقی خویش و پیشبرد جهانی خود در مبارزات عملی و روز مره مسردم از سه وسیله اساسی بهره استادانه ای گرفته است:

اولی، همانگونه که فردوسی، جهت زنده ساختن تاریخ و زبان پارسی برای ملتی که قرنها به فرهنگ و زبان خود پشت کرده و فرهنگ و زبان تازیان بیگانه را با دل و جان پذیرفته بودند، حسبت شعله ور ساختن آتش مبارزه و مقاومت در مقابل این بیگانگان اشعانگر، از حماسه سرایی و زبان شعر و نثر یاری گرفته بود، ماغیتم قسولی نیز جهت تعمیق و تعمیم دادن هر چه بیشتر نظریات فلسفی و جهان بینی خود برای منظوری سیاسی و اجتماعی، از زبان شعر و نثر استادانه بهره گرفته است. هر چند وی از این وسیله چسبون ابزارری نیرومند در راستای ترویج گسترده نظرات خود در میان مردم استفاده نموده است، اما هیچکس در عرصه شعر و ادبیات کلاسیک ترکمن، چه قبل و چه بعد از وی به جرأت میتوان ادعا کرد که به هر شاعری وی کاملاً دست نیافته است. با تفصیل کاملاً خطاست که بدون درک مفاهیم عمیق فلسفی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی اشعار ماغیتم قسولی، وی را صرفاً شاعری برجسته و توانا و حتی بینظیر بدانیم. جا انداختن این دیدگاه نادرست در میان ملت ترکمن، تلاشی بوده است که از طرف بسیاری از آکادمیسین های آکادمی علوم ترکمنستان شوروی در سابق و در مقابسه وی با پوشکین در روسیه، بندهت پیش برده شده و در بهترین حالت، برنامه های سیاسی و اجتماعی وی را آرزوهای انویپایی و نیک شاعری میدانستند که تضاد صفاتی دوران خود و تعیین کنندگی آنها در حل مسئله ملی را نمیتوانست با توجه به محدوده دنیهای تاریخی دیدگاه خود درک بکند! مصاف بر آن، فراتر از آرزوهای ماغیتم قسولی را در دوران شوروی

← تنها در سال ۱۳۵۸ بود که کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن، برای اولین بار مجموعه کاملی از آثار ماغیتیم قورلی را که از طرف آکادمی علوم ترکمنستان شوروی سابق، بوسیله دانشمند فقید مانی کزسایف (۱)، تهیه و تنظیم شده بود، به انضای عربی - فلسفی برگردانده و نشر نمود که با اقبال عمومی مواجه گردید.

ماغیتیم قورلی، همانگونه که حجت باز داشتن توده های مردم بویزه خافما و روحانیون ضماع از اقدامات زشت و کارهای ناشایسته به آنها آتش جهنم و کيفرت آحرت را وعده میداد، از یابوه بودن بسیاری از باورهای مذهبی و توهمات و تعصبات و پایه دینی نیز در بسیاری از اشعار خود یاد کرده و هیچگاه از مبارزه با خرافات و حاملین آن یعنی روحانیون ارتجاعی و ملامهای بی سواد، باز نموده است. بعنوان مثال در اینجا بخشی از شعر "یاد یاخشی" وی را میاوریم که می نویسد:

"ملالار آحرت سوزین سوبلار

منکر اوننه گرچک ایشدر ایلارلر

کنم بیلارکا آحرتده نیلارلر

ایب ایجیب موبت قورچیب اوت یاخشی"

حتی در شعر محراب قابسی" به وجود روح مطلق بسا شکاکیت می نگردد. نابراین مذهب برای ماغیتیم قورلی وسیله ای بوده است برای برحذر داشتن مردم از ارتکاب بدیها با ایجاد ترس از مکافات آحرت و تسلا دادن به فقرا برای برخورداری از موهت اخی در مقابله با ستم و ظلم بی شمار خافما و روحانیون وابسته به آنها.

شناخت از دیدگاه فلسفی و پی بردن به جهان بینی ماغیتیم قورلی در مورد منشأ هستی و طبیعت، بدون مطالعه ای عمیق و همه جانبه از روند شکل گیری جهان بینی های فلسفی تا دوران حیات وی در جهان و بدون شناخت تاریخی کامل از مضمون و نتیجه مبارزات ایدئولوژیک بین جهان بینی های فلسفی در آندوره، امریست محال و غیر ممکن. با برداشتن ساده و با مستمسک قرار دادن بعضی از اشعار به ظاهر مذهبی ماغیتیم قورلی و یا با تعمیم دیدگاه آته ایستی و پایه و غیر منطقی دوران آکادمیسین های شوروی سابق در ترکمنستان که در اصل در باطن صاحب چندین خدا بوده اند، نمیتواند ما را ذره ای به شناخت از جهان بینی فلسفی این فیلسوف بزرگ نزدیک سازد.

واقعیت تاریخی در مورد تکامل تاریخی و دیدگاههای فلسفی این است که در دوران قرون وسطا تا اواخر قرن نوزدهم، جهان صحنه آوردگاه اندیشه های فلسفی و شاهد نضج و تکامل آنها و دگربرداری و دگرگونی نظریات فلسفی جهانشمولی بوده که امروزه بصورت نظریات فلسفی تکامل یافته ای به عصر ما رسیده اند. در تمامی این دوران تاریخی که دوران زندگی ماغیتیم قورلی را نیز در بر میگیرد، آوردگاه فلسفی در جهان را در کن دو تفکر یعنی، نومیالیسم و رآیب آرایش میداد که در واقع اسلاف نظریات ماتریالیسم و

ایدالیسم تکامل یافته امروزی بوده اند. بدین معنا که رآیبست هسا نمایندگان ایده آئیسم امروزی بودند، زیرا که آنها برای مفاهیم کلی و عام، یعنی آن چیزی که ساخته ذهن بشری است و در حارج از آن وجود ندارد، واقعیت و اصالت وجود قایل بودند. اما در مقابله نومیالیستها، برای اشیا و مفاهیم جزئی و مشخص واقعیت قایل بودند و این نظریه فلسفی را مطرح میکردند که مفاهیم کلی پس از شئی بوجود می آید و خود بخود وجود مستقل ندارند. با نگاهی عمیق به نظریات فلسفی ماغیتیم قورلی که در بطن بسیاری از اشعار وی حسی گرفته است، شاید بتوان وی را نومیالیستی دانست که از بسیاری جهات نیز نظراتی نزدیک و شبیه به هگل داشته است. زیرا هگل که بزرگترین نماینده فلسفه کلاسیک آلمان و جهان است، ایده آئیستی عینی بود که فلسفه وی دارای یک هسته بسیار معقول و قوی مبنی بر درک روند دیالکتیکی تغیر و تحول واقعیت میباشد. اما هگل برحلاف ماتریالیستها، این روند را نه سیر تکاملی ماده، بلکه سیر ایده مطلق و یا روح مطلق میدانست. ایده ای که از خود خارج نشده و پس از یکدوره تحول بار دیگر بخود باز میگردد و شالوده طبیعت و جامعه بد عقیده او ایده مطلق و روح جهانی است. درست همین نقطه نیز اشتراك دیدگاه فلسفی ماغیتیم قورلی را در بسیاری جهات با هگل برای پژوهش گر ژرف بین اشعار ماغیتیم قورلی، آشکار میسازد. لذا، در نظریات فلسفی ماغیتیم قورلی، علاوه بر مسائل فوق، ره گاه های هر چند ضعیف، از نظریات فیلسوف بزرگ دیگر آلمان، لودویک فویرباخ نیز بچشم میخورد. آنچه ای که ماغیتیم قورلی طبیعت را شالوده هستی و پایه سیستم فلسفی خود قرار میدهد و طبیعت را آفریننده انسان و جامعه را شکل دهنده شعور میداند، این رکه تشابه با هسته مرکزی فلسفه فویرباخ، بوضوح خود را نمایان میسازد.

کوتاه سخن، شناخت از دیدگاه فلسفی ماغیتیم قورلی کاربست عظیم و دراز مدت و علمی و نه تنها از عهده کسان برمی آید که با تاریخ فلسفه جهان، بویزه با عملکرد دیدگاههای فلسفی در دوره ای که ماغیتیم قورلی در قید حیات بوده است، احاطه کاملی دارند؛ و نه کنار آته ایستهای کم سواد و یا متحجرین دینی و روحانیون است که بقول ماغیتیم قورلی:

"ماغیتیم قورلی باشا باغلاب سلله لر

آچ بوردیدی یورتوب نیجه ملالار

حلاندان حرامدان یغناپ غلله لار

هرنا تاسا دینمان دیقه باشلادی"

(۱) دوازده سال از عمر گرانقدر این دانشمند بزرگ ترکمن، بجزیره نمیه آثار منتخب ماغیتیم قورلی و کتابهای چون داده قورقوت و حماسه گورواغلی و آثار بزرگ دیگر از فولکلور و ادبیات کلاسیک منست ترکمن، در زندانهای سبیری سبیری گردید!

برای زندگی
باز در بارها
سرود هایش
با سبند
اما روتی
همین آن سرود
دیگران را به نام
برساخته بیکام
وی آواز
که دهد

دیگر حکومت کاتالان تنها نیست. در عین حال آلبرتو رویتس گالاردون رئیس منطقه مادرید و طرفدار دولت آرنار هم اتونومی بیشتر را تقاضا می کند. همچنین در بروسل ناسیونالیسم تاریخی حضور دارد. در مورد اداره، مناطق، حکومت کاتالان بی محابا سیاست مستقل اقتصادی خویش را بکار می بندد پارسلونی ها مشترکا با منطقه اتونوم باسک و دفتر اطلاعاتی آنها به نام Interbask و با منطقه والنسیا به مثابه هزاد منطقه کاتالان، یک لوبی ((تلاش گروهی برای جلب نظر مساعد پارلمان برای مقاصد خویش)) را در بروسل به نام Patronat catala pro Europa برقرار کردند. کاتالانها از زمان تأسیس این مجمع مناطق اروپا در سال ۱۹۸۵، در سطح اروپا فعال هستند. در سال ۱۹۹۳ شورای اتحادیه اروپا بر اثر تحول در وین معاهده ای را گذراند که طبق آن در داخل کنگره، اختیارات حکومت مناطق و حوزه های مستقل را تنظیم کنند. به این مصوبه ۲۵۰ منطقه اروپایی تعلق دارند. رئیس این اختیارات مناطق کسی نیست جز پازول رئیس حکومت کاتالان. این موقیقتی است که در چاچوب قراردادهای ماستریخ شورای مناطق اروپایی تنظیم شده است که در آن پازول کمیسیون ویژه سؤالات در مورد این نهاد را هدایت می کند. بر طبق نظر او باید قراردادهای مناطق به سطح سوم اتحادیه اروپا ارتقا یابد و در کنار کمیسیون اتحادیه اروپا در ردیف پارلمان اروپا قرار گیرد. در انتخابات پارلمان اروپا احزاب پیمان اتحاد ملتهای تاریخی نیز حضور دارند. حزب ناسیونالیست باسک PNV در سطح اروپا با حزب دموکرات مسیحی ها و در اتحاد با ناسیونالیستهای کاناری، والیانس ها، آرگون ها، گالیسین ها و مالورکاها می باشند. CIU متعلق به منطقه کاتالان همراه با اتحادیه خلق والنسیا (رد کننده حزب خلق اسپانیا) با حزب سوسیالیستهای مالورکا اتحاد دارد. حزب جمهوری خواه کاتالانی با ناسیونالیستهای باسکی در یک ائتلاف می باشد. تمام این احزاب بطور مشترک یک هدف دارند:

آنها می خواهند با پرس بر سکوی بروسل قدرت تأثیر

← سومین وسیله ای که ماغتم قوی برای رسیدن به هدف خود و ایجاد وفاق ملی در اوج پراکندگی و ستیز طوایف مختلف ترکمن از آن سود برد، همراه با زنده ساختن افتخارات گذشته و ایجاد غرور ملی در توده ها، ایجاد نفرت و انزجار در بین مردم از دشمن مشترک آنها بوده است. زیرا وی بخوبی واقف بود نفرت سهیل الوصول ترین و فراگیرترین نیروی همگرنساز و وحدت بخش است. هاینه شاعر و نویسنده بزرگ آلمان (۱۸۵۶-۱۷۹۷) در ایسورد میگوید: "آنچه را که عشق مسیحیت نمیتواند بوجود آورد، نفرت مشترک میتواند باعث شود". (۱) اشعاری چون، "پناح"، "ریگان ایلدی"، "اونگی آردی بیلیمز"، "گورگنگ" و "ترکمینگ" و... نمونه های از جمله خوبی استادانه در کنار ایجاد غرور ملی از مقوله نفرت مشترک از دشمن از سری ماغتم قوی است. شعر "ترکمینگ" ماغتم قوی که امروزه بصورت سرود ملی ترکمنهای جهان در آمده است، در این راستا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مخلص کلام، ماغتم قوی، از درون تاریکی های دوران حسود و در سخت ترین شرایط از زندگی توده های ترکمن و در اوج پراکندگی و عدم وحدت طوایف ترکمن، با شجاعت و خوش بینی برای آینده ای روشن، نوید ایجاد دولتی واحد و زندگی سرشار از نیک بختی و شادکامی را به ملت خود داده و در راه آن از هیچ فداکاری و مبارزه کوتاهی نکرده است. راز جاودانگی اشعار وی تا به امروز در اندیشه های و آوای آرماتهای مردمی وی هفتت است و این اشعار امروزه به پند و اندرزهای الوای اخلاقی و تربیتی و به جملات قصار و ضرب انظلهای فراوان در میان مردم تبدیل شده است که هر روزه در زندگی روزمره ملت ترکمن بکار می آیند و اشعار وی فرها است که بوسیله بخشهای ترکمن، چون نسیمی روح بخش در چهار گوشه سرزمین ترکمن به ترغم در آمده و به قلب مبارزان راه ماغتم قسولی گرمی و امید می بخشد. همین خاطر است که ملت ترکمن ماغتم قسولی را امروزه نیز زنده ترین زنده ها میدانند و تا مادامیکه زندگی ادامه دارد، ماغتم قوی نیز در کنار هر نسل از ملت ترکمن حضوری ملموس خواهد داشت.

پایان

(۱) روانشناسی توده ها و جنبش ها، ص ۱۱۹، اریک هوفر.

غینانچ

حورماتلی آخمت عالیقی و راخمان تانا
سبیزینگ مهربان انه لرنگزنگ آرادان
چیکماغننی سبیزه وه اچه ری ماشغالانگرا
غینانچ بیلدیرمک بیلن غالانلارینه جان
ساغلق وه اوزاق اومئر آرزو ادیاریس.
"گنگش"

کند و با سهم ۱۰ درصدی اتحادیه که آنها نیز از ناسیو نالیسم باسکی تغذیه می کنند .

موفقیت اقتصادی موجب تحرك اتونومی می شود . دولت Pujol موفق شد سرمایه گذاران را به کاتالان جذب کند . 1/7 تولید ناخالص ملی اسپانیا اینجا حاصل می شود . شرکتهای کاتالانی يك پنجم تولیدات صنعتی را در دست دارند که يك سوم سرمایه بانکی کل اسپانیا را در برمی گیرد . بیکاری اسپانیا بیش از ۲۳٪ است اما در کاتالان ۱۴٪ است . سیاست اقتصادی مستقل و متکی به خود نیز امکان پذیر است زیرا بارسلون از مادرید ۳۰٪ مالیاتها را پس می گیرد . دولت توسط آن ، يك قسمت از خدمات تندرستی را بعهده دارد و مناطق اتونوم را با وسایل و ابزار دیگر حمایت می کند . همچنین در سرزمین باسکها حکومت اتونومی اعمال سیاست اقتصادی مانند تنزل مالیاتها برای صنایع منطقه را در اختیار دارد . سیاست مستقل مالیاتی حکومت باسکها بطور مؤثر استعداد يك اتونومی بزرگتر را به اثبات می رساند . صندوقهای پر سرانجام بیشتر از ترورهای ETA حق تعیین سرنوشت را ممکن می گردانند . حالا کاتالان يك اقتصاد اتونومی ، سیاست مالیاتی و امور مالی را برای تمام ۱۷ منطقه اتونومی مطالبه می کند . حکومت پاژول (Pujol) از طرف این ها حمایت می شود که تا بحال به تک رویهای کاتالان و باسک به صورت انتقادی بر خورد می کردند . لئون کاستیلین ، کامتایرین و لیاریوجا حق افزایش مالیاتها را به طور مستقل در مورد معادن ، تنباکو و الکل مطالبه میکنند . در حال حاضر اپوزیسیون سوسیالیست اختلافات اسپانیا را اینگونه تصویر می کند : واحدهای مناطق ، تفاهم اسپانیا را به خطر می اندازند . " سیاست باید اجتماعی باشد ، این را تنگدستان حمایت می کنند و پیران درخواست می نمایند " .

جویدی پاژول متقابلا اعتقاد دارد برای این کار واحدهای مناطق بهتر از حکومت مرکزی توانایی دارند . با این تعبیر

Garaikoezea گردید و به این خاطر **Eusko** **Alkartasuna** یعنی همبستگی باسکها را تأسیس کردند . EA ، ۱۰٪ آراء را در دست دارد و سیاست سوسیال دموکراسی و ناسیونالیستی را نمایندگی می کند یعنی : حق تعیین سرنوشت و استقلال بدون ترور ، مذاکره و رابطه ویژه با اتحادیه اروپا و سیاست آشکار و تیز خود مختاری . سر سخت ترین رقیب PNV در داخل باسکها **Herri Batasuna** معروف به اتحاد خلق است . آراء انتخاب کنندگان این ائتلاف چپ ناسیونالیستی مرکب از گروههای ETA ، سوسیالیستهای چپ ، شورای کمونیستها و منشعین PNV نزدیک به ۱۶ درصد است . هری باتاسونا اساسنامه اتونومی را رد می کند و طرفدار يك دولت مستقل ملی است . اما در تمامی انتخابات شرکت می کند و وزن اصلی اش را روی اپوزیسیون خارج از پارلمان قرار می دهد . در این بین بایکوت کردن پارلمان به عهده انتخاب کنندگان است که مورد اختلاف در داخل حزب می باشد . هم چنین همبستگی بدون انتقاد رهبری هری باتانوسا با نبرد مسلحانه ETA ، از طرف ناسیونالیستهای باسکی مورد اعتراض می باشد . حزب چپ باسکی **Euskodo** **Ezkerra (EE)** ، از طرف نزدیکان ETA ، یعنی حزب انقلاب باسکی آموزش داده شد . این حزب در اولین انتخابات آزاد ۸ درصد آراء را کسب کرد . در اوایل این حزب ، الحاق منطقه ناوارس را به منطقه اتونوم و حق تعیین سرنوشت آنها و الغای گارد سیویل را که به ترور و شکنجه بد نام شده است - مطالبه می کرد . بعدها حزب خودش را با دولت همگام کرد و اساسنامه خود گردانی را پذیرفت . حزب EE در این میان خودش را با احزاب سوسیالیست باسکها و ناوارا متحد کرد تا بتواند به صورت جمعی در PSOE برنامه ریزی با هدف مشترک را دنبال کند . اتحادیه کمونیستی **Izquierda Unida** متحدا با سبزهها برای مناطق اتونوم و برای کل ایالات متحده اسپانیا تبلیغ می

یاد دکتر

قاسملو رهبر شهید حزب

دموکرات کردستان گرامی باد!

ده سال پیش دکتر عبدالرحمن قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان ایران به همراه یارن نزدیک اش عبدالله قادری آذر و دکتر فاضل رسول به قتل رسید. قاتلین، مأمورین امنیتی جمهوری اسلامی بودند، که در لباس دیپلمات برای مذاکره جهت یافتن راه حلی "آشتی جویانه" مسئله کرد، از تهران به وین پایتخت اتریش اعزام شده بودند. دکتر قاسملو که انسان وارسته و عالمی اندیشمند بود، علیرغم شناختی عمیق از ماهیت رهبران رژیم اسلامی، تنها بخاطر پایان دادن به جنگ تحمیلی به مردم کردستان و یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای حل مسئله کرد، تن به ملاقات و مذاکره با آدمکشان داده بود. دکتر قاسملو که تمامی عمر سیاسی خویش را در صف حزب دموکرات و در خدمت به جنبش ملی مردم کرد سپری کرد، زمانی رهبری حزب را به عهده گرفت که این حزب در بحران سیاسی- تشکیلاتی بسر میبرد.

دکتر قاسملو با رهبری داهیانیه خود توانست حزب دموکرات کردستان را از حالت بحران بیرون آورده، صفوف آن را منظم کرده و به ارتقا و اعتبار حزب در جامع بین المللی کمک شایانی بکند.

طرح شعار استراتژیک "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" بیانگر اعتقاد و پایداری رهبران حزب دموکرات به اصول دموکراسی و نشاندهنده سیاست واقعگرایانه و بختگی سیاسی آنان است. در ایران چند ملیتی حق طبیعی و بدیهی هر اقلیت ملی است که در چارچوب ایرانی دموکراتیک از خودمختاری منطقه ای برخوردار باشد. توسل به قهر و اعمال خشونت نه تنها راه حلی برای معضلات ملی نیست، بلکه به اختلافات موجود دامن زده و آتش جنگ و دشمنی را بیشتر و بیشتر بر می افروزد.

سردمداران جمهوری اسلامی بجای چاره اندیشی به وضع اسفبار مردم کردستان، که چون دیگر اهالی مناطق ایران همه شهروند ایرانند، کمر "همت" به نابودی فیزیکی رهبران کرد بسته است.

تاریخ بشری بارها و بارها مکرراً نشان داده است که عوفی فیزیکی اقتضای هرگز چاره ساز نبوده است. تنها مغزهای معیوب و یا جانبان حرفه ای اند که هنوز نیز به این شیوه ددمنشانه متوسل شده و راه حل مسائل پیچیده سیاسی را در این شیوه ها جستجو میکنند.

دکتر قاسملو از جمله رهبران سیاسی بسیار نادری بود که نقش بزرگی چه در عرصه منطقه ای کردستان و چه در سراسر ایران ایفا میکرد. برای همه احزاب سراسری ایران شخصیت سیاسی دکتر قاسملو در خور احترام خاص و وجود ایشان در عرصه سیاست بسیار ملموس بود.

مردم ترکمن چهبه لحاظ پیوندهای برادرانه، دیرینه ای که میان کردها و ترکمن ها وجود داشته و دارد، وجه به لحاظ احترام عمیقی که به دکتر قاسملو میگذاشت، ایشان را همچون رهبر ملی خویش تلقی میکرد. خبر ناگوار شهادت دکتر قاسملو مردم ترکمن را تکان داد. افراد و گروههای سیاسی ترکمن در سوگ آن بزرگ مرد نشستند و درد سنگین فقدان انسان بزرگوار و آزادخواهی نستوه را در دلهای خویش و در بهنه جنبش ملی احساس کردند.

با گذشت ده سال، هر چند حزب دموکرات کردستان کماق السابق خستگی ناپذیر به پیکار خود ادامه میدهند و مردم کردستان همچنان مقاومت می کنند، لیکن جای خالی دکتر قاسملو، این بزرگمرد ابدی، برای همیشه باقی خواهد ماند.

هیئت اجراییه

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن

ادامه ص ۱۸ بیانیه سازمان دفاع...

... جامعه را بر عهده می‌گیرد بعثت متمرکز در يك محل و برحورد از بالا، از آشنایی با مسائل روزمره ای مناطق مختلف با ویژگی های خاص خویش غافل مانده و از اهالی این مناطق و خواست های آنان دور می‌افتد. مشکلائی که نتیجه تقسیم قدرت بین حکومت مرکزی و حکومتهای خودمختار محلی ایجاد میشوند ممکن است بزرگ باشند، ولی عواقب متمرکز قدرت در يك حکومت مرکزی فاجعه آمیز خواهد بود؛ چنانچه تجربه جمهوری کشورمان تاکنون نشان داده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچگونه اشاره ای به اداره ای امور منطقه ای توسط حرد اهالی نشده است. تنها اشاره گذرا و ناقصی نیز که در رابطه با برنامه های عمران و رفاهی، شده در اصل یکصدم فید شده است:

"برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمران، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور، هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی بنام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان و یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند."

این اصل قانون اساسی نیز همانند دیگر اصول آن، تا چند ماه پیش، وجود خارجی نداشته، و موجودیتش صرفاً روی صفحه کاغذ بوده است. تازه مردم "همان محل" حق انتخاب استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری (اصل یکصدم و سوم) را ندارند. همه اینان از طرف دولت تعیین می‌شوند.

سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن معتقد به سیستم فدرالیستی است. تنها از طریق نظامی فدراتیو میتوان در ایران جامعه ای مدن ایجاد و دموکراسی پایدار برقرار کرد. تقسیم قدرت بین حکومت مرکزی و حکومتهای خودمختار محلی و همکاری نزدیک آنها با یکدیگر باعث رشد ایده ها و ابتکارات و ترقی و تعالی جامعه ایران خواهد بود. فدرالیسم هرچند شکل حکومتی پیچیده ای است، ولی برای ایران چند ملیتی بهترین نوع حکومت است. تجربه کشورهای چند ملیتی تأیید کننده ای این دیدگاه است. تقسیم قدرت بین حکومت مرکزی و ایالات، که دارای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی بکلی متفاوتی هستند، باعث ایجاد مراکز سیاسی متعدد با احزاب سیاسی مختلف می‌شود. بقیه در ص ۱۵

گوراوغلی دستاوندان :

قیراتی بسله جول بيله ،
أ توروبش اولوس - ایل بيله،
أ لینچأ نگ بد اصل بيله،
مهه ریان بولجی بولما!

یاش اولی لار گنگش ادسه،
یاغشی - یامانا گوز ادسه،
ایل حالقئنگ بیر ایش توتسا
سه ن اوندان قالجی بولما!

ماده ۲۲

(از متن اعلامیه جهانی حقوق بشر)

هر فردی بعنوان عضو جامعه محقق است که از امنیت اجتماعی برخوردار باشد. او حق دارد از طریق تمهیدات درون کشوری و مشارکتهای بین المللی، با توجه به تشکیلات و امکانات دولت، برای بهره برداری از شأن انسانی و بخاطر رشد آزاد شخصیت خود به حقوق ضرور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نایل شود.

کمکهای مالی

رسیده ۵ :

سوئد :

(جمعی از دوستان) ۲۵۰

کرون

آلمان :

نظریق. ۵۰ مارک

ارکین ۱۰۰ مارک

آرقا ۵۰ مارک

چ. ۱۵۰ مارک

مقالات مندرج در نشریه گنگش صرفاً بیان نقطه نظرات نویسندگان آن بوده و چاپ آن در نشریه به معنای تأیید دیدگاههای مطروحه در آن نمیشود. خوانندگان عزیز! در صورت امکان مطالب ارسالی تان تسایب شده باشد.

خوانندگان گرامی! با کمکهای مالی و معنوی خویش ما را در تداوم کارمان حمایت نمایند. نشریه خودتان را به دوستان و آشنایان خویش معرفی نمایند. جهت ارسال:

کمکهای مالی

TURKMEN KF-GEŇGEŞ
POSTGIRO:4549720-3

آدرس پستی:

TURKMEN GEŇGEŞI
BOX: 47064
402 58 GÖTENBURG
SWEDEN

نشریه گنگش در شبکه اینترنت:

پست الکترونیکی گنگش:

<http://www.geocities.com/SoHo/Studios/2421/>genges.geo@yahoo.com